



عناابد پيروزا ايران

پاسخ رهبرش هيد
به ۴۷ پرسش درباره
جنگ ايران و آمريكا





بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

فهرست

۶. مقدمه.....

۷. ریشه دشمنی آمریکا با ایران.....

۱. چرا همیشه از دشمنی آمریکا و مبارزه صحبت میکنید؟.....
۲. مگر آمریکا با ما چه کرده که دشمنی با او را پایان نمیدهیم؟.....
۳. آیا اختلاف ایران و آمریکا به خاطر شعار «مرگ بر آمریکا» است؟.....
۴. آیا این همه دشمنی به خاطر تسخیر لانه جاسوسی در ۱۳ آبان ۵۸ نیست؟.....
۵. مگر دشمنی ایران و آمریکا از ۱۳ آبان ۵۸ شروع نشده؟.....
۶. پس اگر دشمنی آمریکا به خاطر تسخیر لانه جاسوسی و شعار مرگ بر آمریکا نیست، به خاطر چیست؟ اصلاً چرا ایران و آمریکا با هم دشمنند؟.....
۷. آیا ما با آمریکا تا ابد رابطه نخواهیم داشت؟.....

۱۹. شناخت واقعی از آمریکا.....

۸. «استکبار» یعنی چه؟.....
۹. واقعیت تمدن غرب چیست؟.....
۱۰. با استناد به چه قرائنی آمریکا را قدرت رو به افول و امپراتوری روبه انقراض میدانید؟.....
۱۱. آمریکا این پایگاه‌های نظامی را چرا در این منطقه درست کرد؟.....
۱۲. آیا آمریکا می‌تواند جمهوری اسلامی را از بین ببرد؟.....

۲۵. ابعاد جنگ ترکیبی ایران و آمریکا؛ اول: جنگ نظامی.....

۱۳. تهدید نظامی آمریکا چه تأثیری بر ملت ایران دارد؟.....
۱۴. ملت ایران حاضر به بیعت با آمریکا می‌شود؟.....
۱۵. در صورت جنگ، پاسخ ایران چگونه خواهد بود؟.....
۱۶. آیا شما نگران حضور ناوهای آمریکایی در منطقه نیستید؟.....

۲۹. ابعاد جنگ ترکیبی ایران و آمریکا؛ دوم: جنگ نرم.....

۱۷. وقتی دشمن در عرصه‌ی نظامی مغلوب شود، در مرحله‌ی بعد چه برنامه‌ای را دنبال میکند؟.....
۱۸. جنگ نرم یعنی چه؟.....
۱۹. هدف دشمن در جنگ نرم تبلیغی چیست؟.....
۲۰. وظیفه ما نسبت به تهاجم تبلیغی و جنگ نرم آمریکا چیست؟.....
۲۱. وضعیت فعلی جوانان در جنگ ترکیبی دشمن آمریکایی صهیونی با ایران چیست؟.....

جنگ ۱۲ روزه..... ۴۱

۲۲. واقعیت جنگ ۱۲ روزه چه بود و چه شد؟ ۴۲
۲۳. طراحی دشمن در جنگ ۱۲ روزه چه بود؟ ۴۳
۲۴. چرا ایران، پیروز جنگ ۱۲ روزه است؟ ۴۴
۲۵. عامل شکست دشمن در جنگ ۱۲ روزه چه بود؟ ۴۵
۲۶. جنگ ۱۲ روزه چه فایده‌ای برای کشور ما داشت که خود را پیروز آن بدانیم؟ ۴۶
۲۷. وظیفه ما نسبت به دست آورد داخلی جنگ ۱۲ روزه (اتحاد عظیم ملی) چیست؟ ۴۷
۲۸. ترامپ، صهیونیست‌های مایوس بعد از جنگ ۱۲ روزه امیدوار کرد..... ۴۹
۲۹. دسترسی جمهوری اسلامی به مراکز مهم آمریکا در منطقه اتفاق بزرگی بود ۵۰

کودتای ۱۸ و ۱۹ دی..... ۵۱

۳۰. چه شد که فتنه‌ی ۱۸ و ۱۹ دی ۱۴۰۴ به وجود آمد و ماهیت آن چیست؟ ۵۲
۳۱. منشأ این کودتا از کجا بود و از کجا هدایت می‌شد؟ ۵۵
۳۲. هدف از کودتای ۱۸ و ۱۹ دی ۱۴۰۴ چه بود و نتیجه چه شد؟ ۵۶
۳۳. عوامل شکل دهنده‌ی فتنه‌ی ۱۴۰۴ چه کسانی بودند؟ ۵۸
۳۴. در مواجهه‌ی با فتنه‌ی ۱۸ و ۱۹ دی ۱۴۰۴ ملت و دولت چه باید بکنند و چه وظایفی بر عهده دارند؟ ۵۹
۳۵. آیا باز هم فتنه ای در پیش خواهیم داشت؟ فتنه ها تا چه زمانی ادامه دارد؟ ۶۱

مذاکره..... ۶۳

۳۶. مذاکره واقعی از نظر شما چیست و چه مذاکراتی با آمریکا ممنوع است؟ ۶۴
۳۷. «معامله» در ادبیات آمریکایی یعنی چه؟ ۶۷

وضعیت واقعی کشورمان: ایران قوی..... ۶۹

۳۸. «جبهه‌ی مقاومت» که گفته میشود ایران مرکز آن است چیست و اصلاً میخواهد در مقابل چه چیزی مقاومت کند؟ ۷۰
۳۹. عوامل قدرت کشور ایران که باید از آنها مراقبت کنیم چه چیزهایی است؟ ۷۱
۴۰. کار بزرگ ملت ایران در جنگ با آمریکا چیست؟ ۷۲
۴۱. چرا ملت ایران در این جنگ تسلیم نمی‌شود؟ ۷۳
۴۲. راه رفع تهدید دشمن چیست؟ ۷۳
۴۳. موشک‌های ایرانی چگونه ساخته شده است؟ ۷۴
۴۴. کدام جوان می‌تواند واقعاً «مرگ بر آمریکا» بگوید؟ ۷۴
۴۵. چرا به مدالهای ورزشی و علمی جوانان در چند ماه اخیر افتخار میکنید؟ ۷۴
۴۶. ایران امروز در چشم سیاستمداران بین المللی چگونه است؟ ۷۵
۴۷. عاقبت ملت ایران چه می‌شود؟ ۷۵

مقدمه

تقابل ایران و آمریکا یکی از جدی‌ترین و طولانی‌ترین چالش‌های سیاسی چند دهه‌ی اخیر است؛ موضوعی که همیشه درباره‌اش سؤال‌های زیادی وجود داشته؛ چرا این دشمنی تمام نمی‌شود؟ آیا ما شروع‌کننده بوده‌ایم؟ آیا اختلاف فقط بر سر یک شعار یا یک حادثه مثل ۱۳ آبان است؟ آیا راهی برای پایان این ماجرا وجود دارد؟ یا ماجرا فراتر از اینهاست؟

این کتابچه با گردآوری و تنظیم ۴۷ پرسش اساسی درباره چرایی و چگونگی این رویارویی، تلاش می‌کند تصویری روشن، مستند و منسجم از مبانی این سؤالات ارائه دهد؛ آن‌هم بر اساس بیانات و تحلیل‌های رهبر شهید و معظم انقلاب اسلامی، آیت‌الله العظمی خامنه‌ای پس از شروع جنگ ۱۲ روزه. علاوه بر این در بخش‌های دیگر این جزوه به پرسش‌هایی درباره جنگ ۱۲ روزه، کودتای آمریکایی صهیونی ۱۸ و ۱۹ دی و جنگ رمضان از بیان امام شهید انقلاب (قدس‌سره) پاسخ داده شده است.

در این مجموعه، ریشه‌های تاریخی دشمنی آمریکا با ایران از کودتای ۲۸ مرداد و سرنگونی دولت ملی مصدق آغاز می‌شود و تا ماجرای تسخیر سفارت آمریکا در ۱۳ آبان ۱۳۵۸ و پس از آن، تحریم‌ها، تهدیدها و جنگ‌های ترکیبی و نرم و سخت اخیر ادامه می‌یابد. این اثر حاضر نشان می‌دهد که اختلاف ایران و آمریکا نه یک نزاع مقطعی یا شعاری، بلکه تعارضی («ذاتی») میان روحیه‌ی استکباری نظام سلطه و هویت الهی و استقلال طلب انقلاب اسلامی است؛ تعارضی که از نگاه رهبر انقلاب، بر سر «تسلیم یا عدم تسلیم» ملت ایران شکل گرفته است.

ریشہ دُشمنی آمریکا با ایران

عائزہ بیگم
ایران

۱. چرا همیشه از دشمنی آمریکا و مبارزه صحبت میکنید؟

وقتی که صحبت از درگیری و مقابله‌ی با دشمنان صریح جمهوری اسلامی میشود، بعضی‌ها ایراد میکنند که «آقا! چرا همیشه میگویید دشمنی، همیشه میگویید مبارزه؟» اینها غفلت میکنند، توجه ندارند. این مبارزه را آنها شروع کردند، آمریکا شروع کرد، دشمنان وابسته‌ی به آمریکا شروع کردند؛ چرا شروع کردند؟ آمریکا چرا از ایران جمهوری اسلامی این جور منجر و ناراحت است؛ چرا؟ علتش واضح است؛ برای خاطر اینکه ثروتهای این کشور، همه‌ی منابع مالی این کشور، در اختیار آمریکا بود، جمهوری اسلامی آمد آن را از اینها گرفت. امروز می‌بینید در آمریکای لاتین یک کشور را محاصره میکنند، اقداماتی میکنند، خجالت هم نمیکشند، صریحاً میگویند برای نفت است و ما این کار را برای نفت میکنیم! [اینجا هم] برای نفت بود؛ نفت ایران، معادن ایران، مزارع ایران. این دشتهای وسیع قزوین، دشتهای پُربار نزدیک تهران، دست صهیونیست‌ها بود و بتدریج داشتند توسعه میدادند. در منطقه‌ی خراسان ما، یک منطقه‌ی بسیار وسیعی بین مشهد و قوچان را داشتند آماده میکردند که به بهائی‌ها بدهند، به عوامل صهیونیست و عوامل آمریکا بدهند. دستشان همه جا باز بود. جمهوری اسلامی آمد دست اینها را قطع کرد؛ خوب معلوم است، دشمن میشوند.

از روز اول هم دشمنی کرده‌اند و جمهوری اسلامی با اینها مقابله کرده، تا امروز هم دشمنی ادامه دارد. در این چهل و چند سال، هر کاری توانستند کردند؛ یعنی هیچ جور عمل خصمانه‌ای که ممکن بوده نسبت به یک مملکت انجام بگیرد، نبوده که انجام نگیرد؛ حمله‌ی نظامی کردند، حمله‌ی امنیتی کردند، تحریم اقتصادی کردند، حمله‌های فرهنگی کردند، آدمهای مزدور فرستادند، بعضی از افراد ضعیف‌الذفس را با پول در اینجا مزدور خودشان کردند؛ در این سالها همه‌ی این کارها را کرده‌اند و شکست خورده‌اند، به جایی نرسیده‌اند. امروز بحمدالله ایران به برکت جمهوری اسلامی [قدرتمند است]؛ چون جمهوری اسلامی حاکم است؛ اگر حکومت لیبرال دموکراسی بود، حکومت سلطنتی بود، از حکومتهای وابسته‌ی به این و آن بود، این جور نمیشد. این اسلام است، نظام مردمی است، نظام اسلامی است، یعنی جمهوری اسلامی است که توانسته است ایران را در علم، در فناوری، در هنر و ادبیات، در سیاستهای بین‌الملل، در بسیاری موارد دیگر به پیشرفتهای بزرگی برساند.

۲. مگر آمریکا با ما چه کرده که دشمنی با او پایان نمیدهیم؟

بنده هیچ نظام انقلابی را در دنیا در تاریخ این دو سه قرن انقلابها نمی‌شناسم که تا این اندازه در معرض توطئه و دشمنی و طرّاحی دشمنان قرار گرفته باشد. شما نگاه کنید ببینید از اول انقلاب، از تحریکات قومی و قومیتها را تحریک کردن، تا مسلح کردن گروه‌های چپ تا تحریک و پشتیبانی گِردِ خونخواری مثل صدام حسین که تحریکش کردند، وادارش کردند، تشویقش کردند که به مرزهای ما حمله کند، تا ترورهای هدفمند، ترور شهید مطهری، ترور شهید بهشتی، ترور شهید مفتّح، ترور شهید رجائی، ترور شهدای محراب و همین‌طور ادامه پیدا کند تا ترور دانشمندان هسته‌ای، تا ترور جوانان فعال انقلابی؛ ببینید، اینها مجموعه‌ی طرّاحی‌هایی است که علیه نظام برخاسته‌ی از انقلاب در ایران انجام گرفت. بعد هم تحریمهای همه‌جانبه، بعد هم حملات مستقیم و از این قبیل کارها؛ این کارها نسبت به نظام برآمده‌ی از انقلاب اسلامی، از اول انقلاب شروع شد و البته تا امروز هم ادامه دارد. انواع این طرحها و این توطئه‌ها از لحاظ تنوع، از لحاظ شدت عمل، از لحاظ مضمون خبثت‌آمیز آنها، به نظر من در هیچ انقلابی از این انقلابهای شناخته‌شده‌ی دنیا سابقه ندارد.

یک وقت هست که گروه‌های تروریستی یک کاری را انجام میدهند، [اما] در ایران این جور نبود؛ این توطئه‌ها، این طرّاحی‌ها، این خبثت‌ها به وسیله‌ی دولتهای مستکبر – عمدتاً آمریکا و صهیونیسم – و به وسیله‌ی دستگاه‌های جاسوسی معروف دنیا مثل سیا که مال آمریکا است، مثل ام‌آی‌شش که مال انگلیس است، مثل موساد که مال رژیم صهیونیستی است انجام میگرفت.

بیانات در مراسم سی و ششمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (رحمه‌الله) ۱۴/۰۳/۱۴۰۴

۳. آیا اختلاف ایران و آمریکا به خاطر شعار «مرگ بر آمریکا» است؟

این کسانی که میگویند «آقا! شعار ندهید علیه آمریکا، عصبانی میشوند، با شما دشمنی میکنند»، اینها ظاهرینند. این کسانی که تحلیل میکنند که «چرا با آمریکا مذاکره‌ی مستقیم نمیکنید، مسائلتان را حل نمیکنید»، به نظر من ظاهرینند. باطن قضیه این نیست؛ این مسئله حل نشدنی است. او میخواهد که ایران گوش به فرمان آمریکا باشد. ملت ایران از چنین اهانت بزرگی بشدت رنجیده میشود و در مقابل آن کسانی و آن کسی که چنین توقع غلطی از ملت ایران دارد، با همه‌ی قدرت می‌ایستد. جنگ اخیر هم به خاطر همین بود. رژیم صهیونی را پیش کردند، تحریک کردند، رضایت نشان دادند، کمک کردند برای اینکه به ایران حمله کند و به خیال خودشان کار ایران را تمام کند، کار جمهوری اسلامی را تمام کند! اینها تصوّر نداشتند که ایران در مقابل حرکت آنها آن چنان مُشتی به آنها خواهد زد که آنها را پشیمان خواهد کرد؛ این تصوّر را نداشتند.

بیانات در مراسم عزاداری شهادت امام رضا ع ۱۴۰۴/۰۶/۰۲

ذات استکباری آمریکا با ذات استقلال‌طلبی انقلاب با همدیگر سازگار نبود. من این را میخواهم بگویم: اختلاف جمهوری اسلامی و آمریکا یک اختلاف تاکتیکی نیست، یک اختلاف موردی نیست، یک اختلاف ذاتی است. آمریکا وقتی بتواند، هواپیمای مسافری ایران را با سیصد مسافر ساقط میکند در دریا؛ وقتی بتواند، کسی مثل صدام را وادار میکند به حمله‌ی به ایران و انواع کمکها را به او میکند؛ وقتی بتواند، حمله‌ی مستقیم هم به کشور میکند؛ وقتی بتواند، انواع و اقسام کارهای تبلیغاتی را علیه جمهوری اسلامی انجام میدهد؛ وقتی بتواند، همه‌کار میکند.

بعضی‌ها تاریخ را وارونه مینویسند؛ اختلاف بین جمهوری اسلامی و بین آمریکا را از ناحیه‌ی همین مرگ بر آمریکای شما میدانند! این ساده‌لوحی است که کسی خیال کند که چون یک ملتی شعار میدهد «مرگ بر آمریکا»، بنابراین آن دشمن هم مثلاً این جور دشمنی میکند؛ نه، شعار «مرگ بر آمریکا» آن چنان مسئله‌ی مهمی نیست که آمریکایی‌ها به خاطر آن با ایران مخالفت کنند، مقابله کنند، معارضه کنند؛ مسئله، مسئله‌ی اختلاف ذاتی است، ناسازگاری ذاتی است؛ مسئله، مسئله‌ی تقابل منافع دو جریان است: جریان آمریکا و جریان جمهوری اسلامی.

بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان ۱۴۰۴/۰۸/۱۲

۴. آیا این همه دشمنی به خاطر تسخیر لانه جاسوسی در ۱۳ آبان ۵۸ نیست؟

سیزدهم آبان روزی است که دانشجویهای ما رفتند سفارت آمریکا را تسخیر کردند؛ یکی از روزهایی است که در تاریخ ما، در حافظه‌ی ملی ما باید بماند؛ باید فراموش نشود، باید مردم ما همه از آن مطلع باشند.

تسخیر سفارت، هویت حقیقی دولت ایالات متحده‌ی آمریکا را روشن کرد، هویت واقعی و ذاتی نهضت اسلامی و انقلاب اسلامی را هم روشن کرد و مشخص کرد. البته ما ایرانی‌ها ذات استکباری آمریکا را می‌شناختیم؛ این جور نبود که ندانیم آمریکا چه‌کاره است لکن این حادثه برای ما این قضیه را بیشتر روشن کرد.

تا قبل از جنگ جهانی دوم، دولت آمریکا یک دولتی که متعزّض این و آن باشد نبود؛ بعد از جنگ جهانی دوم، دولت آمریکا شد یک دولت مستکبر؛ که همه‌جا تصرف کند، همه‌جا دست بزند، همه‌جا وارد بشود و هر جا منافعش ایجاب میکند، با هر وسیله‌ای، گاهی با خشم و با اخم، گاهی با لبخند، گاهی با زور، گاهی با رشوه، منافع خودش را غلبه بدهد بر منافع ملت‌ها. خب، این وضع آمریکا است. این، اتفاقاً در این دوره – در این دوره‌ای که محلّ بحث ما است، زمان سال ۵۶ و ۵۷ و آن وقت‌ها – با وقوع انقلاب در مقابل جمهوری اسلامی قرار گرفت. البته ما ایرانی‌ها سابقه‌ی آمریکا را داشتیم؛ یعنی این جور نبود که خوی استکباری آمریکا را نشناخته باشیم؛ چرا، ما آمریکا را از بیست و هشتم مرداد شناخته بودیم.

بیست و هشتم مرداد حادثه‌ی مهمی است. ببینید، من یک جمله در باب بیست و هشتم مرداد بگویم؛ هنوز خیلی‌ها اهمیت کودتای بیست و هشتم مرداد و ضربه‌ای را که به ایران زد، نمیدانند، توجه ندارند؛ فقط اسم بیست و هشتم مرداد را میدانند [که] یک کودتایی انجام گرفت. کشور ما از بعد از مشروطه تا حدود چهل سال، یا چهار هرح و مرج و آشفتگی بود یا دچار دست‌اندازی دولتهای بیگانه بود و یا دچار استبداد و دیکتاتوری خشن و بی‌رحم رضاخان بود؛ تقریباً حدود ۴۲ سال؛ یعنی ملت ایران در طول این چند ده سال در یک چنین وضعی زندگی میکردند. در سال حدود ۲۸ و ۲۹ قضایایی در کشور پیشامد کرد و لطف خدا هم کمک کرد، یک دولت ملی‌ای برای اولین بار در کشور به وجود آمد که دولت مصدّق بود؛ دولت ملی بود. دولت ملی تشکیل شد، در مقابل انگلیس‌ها ایستاد – انگلیس آن وقت در واقع پادشاه جهان بود؛ از همه‌ی قدرتها برتر و قوی‌تر و بزرگ‌تر بود – نفت کشور که تقریباً شبیه مفت در اختیار انگلیس‌ها قرار داشت، این نفت را از انگلیس‌ها گرفت و به تعبیر آن روز «ملی» کرد، یعنی در اختیار دولت خودمان قرار داد، و یک دولت ملی در کشور تشکیل شد.

از سال ۲۹ تا سال ۳۲، این سه سال، توطئه‌های انگلیس و همراهانش خیلی فشار آوردند روی این دولت که این دولت را از کار ببندازند. مصدق یک ساده‌اندیشی انجام داد، یک غفلت انجام داد؛ برای اینکه بتواند خودش را از شر انگلیس رها کند، رفت سراغ آمریکایی‌ها، از آمریکایی‌ها کمک خواست. آمریکایی‌ها به مصدق لبخند زدند اما در پشت، با غفلت مصدق و عدم توجه او، با انگلیس‌ها همدست شدند، یک کودتایی به راه انداختند و دولتی را که بعد از چهل سال در کشور تشکیل شده بود و ملی بود، ساقط کردند، مجدداً شاه را که از کشور فرار کرده بود برگرداندند. این ضربه‌ی سختی به ملت ایران بود. بیست‌وهشتم مرداد یعنی این؛ یعنی یک دولت انتخاب‌شده‌ی به وسیله‌ی مردم را که نمیخواست در اختیار انگلیس و استعمار خارجی قرار بگیرد و [میخواست] یک دولت ملی باشد، این دولت را، آمریکایی‌ها با انواع و اقسام حيله‌ها ساقط کردند، از بین بردند؛ آمریکایی‌ها ضربه‌ی سختی به ملت ایران زدند. این [قضیه‌ی] بیست‌وهشتم مرداد است. ملت ایران از آن وقت آمریکا را می‌شناخت؛ میدانست که آمریکا چه موجود خطرناکی است برای کشور. بنابراین ما آمریکا را از بیست‌وهشتم مرداد می‌شناختیم، برای ما جدید نبود. حالا، این دشمن حقیقی ملت ایران اینجا سفارت دارد؛ دشمن حقیقی ملت ایران. انقلاب که شد، اولین مخالفت با انقلاب را آمریکایی‌ها کردند. در سنای آمریکا، یک مصوبه‌ای علیه ملت ایران و علیه انقلاب تصویب کردند. بعد هم محمدرضا را به آمریکا راه دادند؛ او را به عنوان اینکه برای معالجه رفته، در یک بیمارستان ساکن کردند اما دستگاه‌های سیاسی و امنیتی، ارتباطاتشان با او برقرار بود. ملت ایران این را فهمید، مردم عصبانی شدند؛ در خیابانها علیه آمریکا تظاهرات راه افتاد. چرا؟ چون حس کردند که قرار است قضیه‌ی بیست‌وهشتم مرداد تکرار بشود؛ حس کردند که این بردن محمدرضا به آنجا، مقدمه‌ی آوردن دوباره‌ی او به ایران است، با انواع روشهایی که آمریکایی‌ها دارند.

مردم عصبانی شدند، در خیابانها راه افتادند، تظاهرات کردند؛ یک بخشی از این تظاهرات هم حرکت دانشجویها بود که وارد سفارت شدند و سفارت را تصرف کردند. [البته] نمیخواستند در سفارت بمانند؛ این را همه توجه داشته باشند؛ دانشجویها قصد ماندن در سفارت نداشتند؛ فقط میخواستند همین قدر به دنیا منعکس بشود که ملت ایران چقدر عصبانی است از اینکه شاه را به آمریکا راه داده‌اند؛ فقط این بود. میخواستند بروند دو سه روز بمانند و بیرون بیایند؛ تصمیم دانشجویها این بود. بعد که رفتند داخل سفارت، اسنادی را آنجا پیدا کردند که دیدند قضیه‌ی خیلی عمیق‌تر از این حرفها است؛ قضیه، قضیه‌ی یک مصوبه‌ی مجلس سنای آمریکا نیست؛ سفارت، مرکز توطئه و نقشه‌پردازی و نقشه‌کشی

برای به هم زدن انقلاب است؛ یعنی مشغول توطئه هستند تا نقشه‌هایشان [را عملی کنند]. سفارت، دیگر سفارت نبود. خب همه‌ی سفارتها مرکز اطلاعات دارند و اطلاعات کشور را - آن کشوری که این سفارت در آنجا متوقف است - جمع میکنند، به کشور خودشان میفرستند؛ این اشکالی ندارد. مسئله‌ی سفارت آمریکا این نبود؛ مسئله‌ی سفارت آمریکا این بود که اتاق توطئه‌ی علیه انقلاب بود: افراد را ببینند، افراد را تحریک کنند، تشکیلات به وجود بیاورند، از ناراضی‌های بازمانده‌ی از رژیم قبل استفاده کنند و ارتش را اگر بتوانند، دور هم جمع کنند، علیه انقلاب اقدام کنند. [دانشجویان] این را فهمیدند؛ وقتی که این را فهمیدند، آن وقت در سفارت ماندند.

اینکه حالا ما بگوییم که «سفارت را چرا گرفتند؟ مشکل ما با آمریکا از اینجا به وجود آمد»، این به نظر من حرف دقیقی نیست. اولاً مشکل ما با آمریکا از قضیه‌ی سیزدهم آبان به وجود نیامد، از بیست و هشتم مرداد به وجود آمد؛ مخالفت ملت ایران با آمریکا مال آن وقت است؛ ثانیاً سیزدهم آبان، در واقع، کشف یک توطئه و یک خطر بزرگ برای انقلاب بود که دانشجویها این کار را کردند؛ دستشان درد نکند! با زحمت زیاد توانستند اسناد را جمع کنند و این اسناد را که داخل ماشین خردکن ریخته بودند، کنار هم بگذارند تا بفهمند که در سفارت چه میگذرد.

بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان ۱۲/۰۸/۱۴۰۴

۵. مگر دشمنی ایران و آمریکا از ۱۳ آبان ۵۸ شروع نشده؟

[نه،] ما آمریکا را از بیست و هشتم مرداد شناخته بودیم. بیست و هشتم مرداد حادثه‌ی مهمی است. ببینید، من یک جمله در باب بیست و هشتم مرداد بگویم؛ هنوز خیلی‌ها اهمّیت کودتای بیست و هشتم مرداد و ضربه‌ای را که به ایران زد، نمیدانند، توجّه ندارند؛ فقط اسم بیست و هشتم مرداد را میدانند [که] یک کودتایی انجام گرفت. کشور ما از بعد از مشروطه تا حدود چهل سال، یا چهار هج و مرج و آشفتگی بود یا دچار دست‌اندازی دولتهای بیگانه بود و یا دچار استبداد و دیکتاتوری خشن و بی‌رحم رضاخان بود؛ تقریباً حدود ۴۲ سال؛ یعنی ملت ایران در طول این چند ده سال در یک چنین وضعی زندگی میکردند. در سال حدود ۲۸ و ۲۹ قضایایی در کشور پیشامد کرد و لطف خدا هم کمک کرد، یک دولت ملی‌ای برای اوّلین بار در کشور به وجود آمد که دولت مصدّق بود؛ دولت ملی بود. دولت ملی تشکیل شد، در مقابل انگلیس‌ها ایستاد - انگلیس آن وقت در واقع پادشاه جهان بود؛ از همه‌ی قدرتها برتر و قوی‌تر و بزرگ‌تر بود - نفت کشور که تقریباً شبیه مفت در اختیار انگلیس‌ها قرار داشت، این نفت را از انگلیس‌ها گرفت و به تعبیر آن روز «ملّی» کرد، یعنی در اختیار دولت خودمان قرار داد، و یک دولت ملی در کشور تشکیل شد.

از سال ۲۹ تا سال ۳۲، این سه سال، توطئه‌های انگلیس و همراهانش خیلی فشار آوردند روی این دولت که این دولت را از کار بیندازند. مصدّق یک ساده‌اندیشی انجام داد، یک غفلت انجام داد؛ برای اینکه بتواند خودش را از شرّ انگلیس‌ها رها کند، رفت سراغ آمریکایی‌ها، از آمریکایی‌ها کمک خواست. آمریکایی‌ها هم به او لبخند زدند. البته سابقه‌ی اصل چهارم ترومن و مانند این چیزها هم بود که فکر میکرد که آمریکا به او کمک خواهد کرد. آمریکایی‌ها به مصدّق لبخند زدند اما در پشت، با غفلت مصدّق و عدم توجّه او، با انگلیس‌ها همدست شدند، یک کودتایی به راه انداختند و دولتی را که بعد از چهل سال در کشور تشکیل شده بود و ملی بود، ساقط کردند، مجدداً شاه را که از کشور فرار کرده بود برگرداندند. این ضربه‌ی سختی به ملت ایران بود. بیست و هشتم مرداد یعنی این؛ یعنی یک دولت انتخاب‌شده‌ی به وسیله‌ی مردم را که نمیخواست در اختیار انگلیس و استعمار خارجی قرار بگیرد و [میخواست] یک دولت ملی باشد، این دولت را، آمریکایی‌ها با انواع و اقسام حيله‌ها ساقط کردند، از بین بردند؛ آمریکایی‌ها ضربه‌ی سختی به ملت ایران زدند. این [قضیه‌ی] بیست و هشتم مرداد است. ملت ایران از آن وقت آمریکا را می‌شناخت.

۶. پس اگر دشمنی آمریکا به خاطر تسخیر لانه جاسوسی و شعار مرگ بر آمریکا نیست، به خاطر چیست؟ اصلاً چرا ایران و آمریکا با هم دشمنند؟

این سؤال، سؤال آسانی به نظر میرسد لکن سؤال پیچیده‌ای است؛ جواب این سؤال، جواب مهمی است، جواب پیچیده‌ای است. این دشمنی مال امروز هم نیست؛ ۴۵ سال است که دولتهای آمریکا - از انواع و اقسام افراد و اشخاص و احزاب گوناگون آمریکا که سرکار آمده‌اند - همین دشمنی را، همین تحریم را، همین تهدید را نسبت به جمهوری اسلامی و ملت عزیز ایران داشته‌اند. علت چیست؟

◀ ایران بله قربان گو و تسلیم بشو نیست

در گذشته این علت را کتمان میکردند، تحت عناوین گوناگونی به عنوان تروریسم، به عنوان حقوق بشر، به عنوان مسئله‌ی زن، به عنوان دموکراسی؛ تحت این عنوانها. یا اگر هم میگفتند، به شکل آبرومندانه میگفتند میخواهیم رفتار ایران عوض بشود؛ گذشته‌ها این جور حرف میزدند. این آقای که امروز سر کار است در آمریکا، مسئله را لوداد، آن هدف حقیقی را روشن کرد؛ گفت مقابله‌ی ما با ایران، با ملت ایران برای این است که ایران گوش به فرمان آمریکا باشد! ما ملت ایران باید این را درست بفهمیم؛ این مسئله‌ی مهمی است. البته تعبیر او ممکن است یک مقداری با این [چیزی] که من گفتم متفاوت باشد؛ مثلاً «ایران حرف گوش کن باشد»؛ به این تعبیر گفته باشد. یعنی یک دولتی، یک قدرتی پیدا شده در دنیا که نسبت به ایران، ایران با این تاریخ، ایران با این عزت، ایران با این ملت، این توقع را دارد که این کشور، این تاریخ، این ملت بزرگ با همه‌ی افتخاراتش، گوش به فرمان او باشد! علت [دشمنی] این است؛ دشمنی‌ها به خاطر این است.

بیانات در مراسم عزاداری شهادت امام رضا علیه السلام ۱۴۰۴/۰۶/۰۲

رئیس جمهور آمریکا هم در یکی از بیاناتش و اظهاراتش گفت ایران باید تسلیم بشود. «تسلیم بشود»! بحث غنی‌سازی دیگر نیست، بحث صنعت هسته‌ای نیست، بحث تسلیم ایران است. البته این حرف برای دهان رئیس جمهور آمریکا خیلی بزرگ است. ایران با عظمت، ایران با این تاریخ، ایران با این فرهنگ، ایران با این عزم پولادین ملی، اسم «تسلیم» برای یک چنین کشوری مایه‌ی استهزاء کسانی است که ملت ایران را می‌شناسند. لکن این اظهار او یک

حقیقتی را لو داد؛ آمریکایی‌ها از اوّل انقلاب با ایران اسلامی مشغول معارضه هستند، پنجه می‌افکنند، هر دفعه‌ای هم یک بهانه‌ای دارند: یک بار حقوق بشر است، یک بار دفاع از دموکراسی است، یک بار حقوق زن است، یک بار غنی‌سازی است، یک بار اصل مسئله‌ی هسته‌ای است، یک بار مسئله‌ی ساخت موشک است؛ بهانه‌های گوناگونی می‌آورند، اما باطن قضیه یک چیز بیشتر نیست و آن «تسلیم ایران» است. قبلی‌ها نمی‌گفتند این را، چون این قابل قبول نیست؛ در هیچ منطق بشری قابل قبول نیست که به یک ملتی بگویند بیایید تسلیم بشوید، لذا آن را زیر عنوان دیگری پنهان میکردند. این شخص لو داد آن حقیقت را، نشان داد و فهماند که آمریکایی‌ها فقط به تسلیم ایران راضی میشوند و نه به کمتر از آن. و این یک نقطه‌ی مهمی است! ملت ایران بدانند [علت] معارضه‌ی با آمریکا این است و این اهانت بزرگ به ملت ایران را آمریکایی‌ها دارند و چنین اتّفاقی هم هرگز نخواهد افتاد؛ هرگز نخواهد افتاد.

سومین پیام تلویزیونی خطاب به ملت ایران در پی تهاجم رژیم صهیونی ۱۴۰۴/۰۴/۰۵

◀ آمریکا میخواهد ایران را ببلعد

مسئله‌ی آمریکا و ایران چیست؟ در این تقابلی که وجود دارد و چهل و چند سال است ایران و آمریکا دشمنی دارند، مسئله چیست؟ به نظر من مسئله در دو کلمه خلاصه میشود؛ آن دو کلمه هم این است که آمریکا میخواهد ایران را ببلعد، ملت رشید ایران و جمهوری اسلامی مانع است. گفت رفتم خواستگاری، همه چیز تمام شده، موضوع در دو کلمه باقی مانده: من میگویم ما دختر شما را میخواهیم، آنها میگویند غلط میکنید! حالا ملت ایران به طرف مقابل گفته غلط میکنی؛ یعنی جرم ملت ایران [این است]؛ دعوا سر این قضیه است. ایران شما، کشور شما، جاذبه‌های زیادی دارد؛ نفت ایران جاذبه دارد، گاز ایران جاذبه دارد، معادن غنی ایران جاذبه دارد، موقعیت راهبردی و جغرافیایی ایران جاذبه دارد؛ خیلی خصوصیات دیگر هست. ایران یک کشوری است که یک قدرت زیاده‌طلب متجاوز، به طور طبیعی به چین کشوری چشم طمع میدوزد؛ ایران یک چین کشوری است. خب میخواهند این کشور را تصرف کنند، همچنان که قبلاً تصرف داشتند. حدود سی سال آمریکایی‌ها در ایران بودند، منابع دستشان بود، نفت دستشان بود، سیاست دستشان بود، امنیت دستشان بود، ارتباطات با دنیا دست آنها بود، همه چیز دست آنها بود؛ سی سال هر کاری دلشان خواست کردند؛ [حالا] دستشان قطع شده، میخواهند برگردند همان وضع زمان پهلوی را دوباره داشته باشند، ملت ایران هم محکم

ایستاده، سینه سپر کرده و مانع است. دشمنی [به خاطر] این است، دعوا سر این است. بقیه‌ی حرفها [مثل] حقوق بشر و مانند اینها حرفهای مفتی است که آنها میزنند؛ مسئله، مسئله‌ی این است. او طمع دارد، ایران هم محکم ایستاده و محکم هم خواهد ایستاد، و به امید خدا طرف را از موزیگری و اذیت کردن مأیوس خواهد کرد.

بیانات در دیدار اقدار مردم به مناسبت چهل و هفتمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی ۱۴۰۴/۱۱/۱۲

[بنابراین آمریکا با ما دشمن است] برای خاطر اینکه ثروتهای این کشور، همهی منابع مالی این کشور، در اختیار آمریکا بود، جمهوری اسلامی آمد آن را از اینها گرفت. امروز می‌بینید در آمریکای لاتین یک کشور را محاصره میکنند، اقداماتی میکنند، خجالت هم نمی‌کشند، صریحاً میگویند برای نفت است و ما این کار را برای نفت میکنیم! [اینجا هم] برای نفت بود؛ نفت ایران، معادن ایران، مزارع ایران. این دشتهای وسیع فزویین، دشتهای پُربار نزدیک تهران، دست صهیونیست‌ها بود و بتدریج داشتند توسعه میدادند. در منطقه‌ی خراسان ما، یک منطقه‌ی بسیار وسیعی بین مشهد و قوچان را داشتند آماده میکردند که به بهائی‌ها بدهند، به عوامل صهیونیست و عوامل آمریکا بدهند. دستشان همه جا باز بود. جمهوری اسلامی آمد دست اینها را قطع کرد؛ خب معلوم است، دشمن میشوند. از روز اول هم دشمنی کرده‌اند و جمهوری اسلامی با اینها مقابله کرده، تا امروز هم دشمنی ادامه دارد.

بیانات در دیدار مردم قم ۱۴۰۴/۱۰/۱۹

[از همان اول پیروزی] انقلاب یک طعمه‌ی شیرین را از گلوئی آمریکا بیرون کشیده بود. یک طعمه‌ی بی‌نظیر در اختیار آمریکا بود؛ ایران، یکپارچه تحت سلطه‌ی آمریکا و تحت قدرت آمریکا بود؛ نفتش را میبردند، منافع زیرزمینی‌اش را میبردند، امکاناتش را میبردند، پولش را میبردند، جنس مورد نظر خودشان را با هر قیمتی که دوست داشتند، به حساب ایران می‌فروختند؛ یک چنین وضعی بود، حالا این از دست آمریکا گرفته شده بود. انقلاب مقابل آمریکا ایستاد. [آمریکایی‌ها] حاضر نبودند به این آسانی دست بکشند، لذا توطئه‌ها شروع شد و آمریکا از اول انقلاب تحریکات خودش را علیه ملت ایران شروع کرد؛ علیه ملت ایران، نه فقط علیه جمهوری اسلامی؛ علیه ملت شروع کرد. قطع رابطه را شروع کرد - قطع رابطه اول از سوی آمریکا شد - بعد تحریم را شروع کرد، بعد کارهای گوناگون، پشت سر هم.

بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان ۱۴۰۴/۰۸/۱۲

۷. آیا ما با آمریکا تا ابد رابطه نخواهیم داشت؟

بعضی میپرسند خوب آقا! حالا ما در مقابل آمریکا تسلیم نشدیم؛ آیا رابطه هم با آمریکا تا آخر ابد نخواهیم داشت؟ تا ابد مثلاً با آمریکا مخالفت خواهیم داشت؟ جوابش این است که اولاً ذات استکباری آمریکا بجز تسلیم چیز دیگری را قبول نمیکند؛ این را همه‌ی رؤسای جمهور آمریکا میخواستند ولی به زبان نمی‌آوردند؛ این رئیس‌جمهور فعلی (۵) به زبان آورد؛ گفت باید ایران تسلیم بشود. این در واقع آن باطن آمریکا را لو داد. تسلیم شدن یک ملت، آن هم ملتی مثل ایران، با این همه توانایی، با این همه ثروت، با این سابقه‌ی فکری و معرفتی، با این همه جوان هشیار و پُرانگیزه، چه معنا دارد؟

ما حالا آینده‌ی دور را نمیتوانیم حدس بزنیم لکن این را همه بدانند که در حال حاضر علاج خیلی از مشکلات («قوی شدن») است؛ کشور را باید قوی کرد. دولت در بخشهای مختلف مربوط به خودش کار را با قوت انجام بدهد؛ نیروهای نظامی کار خودشان را با قوت انجام بدهند؛ جوانها تحصیل و پیشرفت علمی را با قوت انجام بدهند. اگر چنانچه کشور قوی بشود و دشمن احساس کند که با برخورد با این ملت قوی، سود نخواهد برد و ضرر خواهد دید، قطعاً کشور مصونیت پیدا میکند؛ بدون تردید. قوت نظامی لازم است، قوت علمی لازم است، قوت مدیریت کشوری لازم است؛ این کارها باید انجام بگیرد. قوت انگیزه‌ی شما جوانها هم لازم است؛ یعنی این انگیزه را از دست ندهید، این روحیه را از دست ندهید.

آمریکایی‌ها میگویند - البته گاهی، همیشه نه - که مایلیم با ایران همکاری کنیم؛ همکاری با ایران با همکاری و کمک به رژیم صهیونی ملعون سازگار نیست. آمریکا به رژیم ملعون صهیونی با این وضعی که در این اواخر همه‌ی دنیا دیدند، همه‌ی دنیا فهمیدند، همه‌ی دنیا محکوم کردند، کمک میکند؛ آمریکا پشتیبانی میکند، آمریکا حمایت میکند؛ با این وضع، همراهی با ایران معنی ندارد، قابل قبول نیست. بله، اگر چنانچه پشتیبانی از رژیم صهیونیستی را بکلی کنار بگذارد، پایگاه‌های نظامی‌اش را از اینجا جمع کند، در این منطقه دخالت نداشته باشد، آن وقت میشود بررسی کرد مسائل را؛ [این] مال حالا نیست، مال آینده‌ی نزدیک هم نیست.

شناخت واقعی از آمریکا

عالمی
پیش قدمی

۸. «استکبار» یعنی چه؟

«استکبار» یعنی چه؟ [وقتی] میگوییم «استکبار جهانی»، «استکبار» یعنی چه؟ کلمه‌ی «استکبار» یک کلمه‌ی قرآنی است، در قرآن به کار رفته. آن طور که شمرده‌اند و به من گفته‌اند، کلمه‌ی «استکبار» و مشتقاتش در حدود پنجاه مرتبه در قرآن تکرار شده. «استکبار» یعنی خودبرتربینی؛ این معنای «استکبار» است؛ [یعنی] یک دولت، یک انسان، یک مجموعه، حالت خودبرتربینی داشته باشد. البته [این] صفت بدی است، لکن موجب دشمنی نمیشود. اولین مستکبر هم ابلیس بود که وقتی خدای متعال گفت میخواهد آدم را خلق کند، این گفت من برتر از آدم هستم، سجده نمیکنم به آدم و لعنت الهی تا ابد، دامن او را گرفت. «استکبار» یعنی خودبرتربینی؛ منتها خودبرتربینی دو جور است: یک وقت هست که یک نفری یا یک دولتی خودش را برتر از دیگران میداند، اما کاری به دیگران ندارد؛ این هم صفت خوبی نیست، استکبار بد است، خودبرتربینی چیز خوبی نیست لکن دشمنی و خصومت ایجاد نمیکند، صرفاً بد است؛ اما یک وقت هست که نه، یک دولتی، یک انسانی، یک مجموعه‌ای، یک قلدری خودش را برتر از دیگران میداند و به خودش حق میدهد که به دیگران تنه بزند، به منافع حیاتی دیگران دست‌درازی کند، درباره‌ی دیگران تکلیف معین کند؛ استکبار به این صورت بد است. یک دولتی — فرض بفرمایید در یک دوره دولت انگلیس بود، امروز آمریکا — به خودش حق میدهد که در فلان کشور که یک دولت قوی‌ای ندارد، مردم هوشیاری ندارد، مثلاً ده پایگاه نظامی ایجاد کند، برای خودش امکانات فراهم کند، نفتشان را ببرد، منافعشان را ببرد، منابع زیرزمینی‌شان را غارت کند؛ این استکبار است؛ استکباری که ما با آن بدیم، استکباری که درباره‌اش حرف میزنیم، استکباری که علیه آن شعار میدهیم، این است.

۹. واقعیت تمدن غرب چیست؟

هر چه درباره‌ی فساد اینها شنیده بودیم یک طرف، این قضیه‌ی این جزیره‌ی بدنام و فاسد هم یک طرف! اینها در واقع نشان‌دهنده‌ی تمدن غرب است. اینکه ما راجع به تمدن غرب، راجع به لیبرال دموکراسی غرب حرف میزنیم، این است. دویست سال، سیصد سال حرکت میکنند، نتیجه‌اش میشود یک چنین چیزی. این جزیره یک نمونه است؛ از این قبیل حرفها خیلی زیاد است. همچنانی که این آشکار نبود و آشکار شد، خیلی چیزهای دیگر هم هست که آشکار خواهد شد.

بیانات در دیدار مردم آذربایجان شرقی ۱۴۰۴/۱۱/۲۸

۱۰. با استناد به چه قرائنی آمریکا را قدرت روبه افول و امپراتوری روبه انقراض میدانید؟

در مورد امپراتوری روبه انقراض آمریکا؛ واقعاً روبه انقراض! مشکل اقتصادی دارند، مشکل سیاسی دارند، مشکل اجتماعی دارند؛ بیش از پنجاه درصد مردم آمریکا رئیس جمهور فعلی شان را قبول ندارند؛ اینها مشکلات یک کشور است؛ اینها غرق در مشکلاتند.

... یکی از نشانه‌های زوال امپراتوری فاسد و ظالم آمریکا، بی‌منطقی آنها است؛ بی‌منطقند. یک حکومت وقتی یک کاری انجام میدهد، باید یک منطقی پشت سرش باشد؛ بی‌منطقند. یکی از بی‌منطقی‌های آنها همین مسئله‌ی ارتباط آنها با مسائل داخلی کشور ما است. اولاً در مسائل داخلی ایران میخواهند دخالت کنند. یکی از مسائل داخلی ما که برایمان خیلی اهمیت دارد، عبارت است از مسئله‌ی تسلیحات ما. ما باید برخوردار باشیم از تسلیحات بازدارنده. اگر یک کشوری تسلیحات بازدارنده نداشته باشد، زیر پای دشمنان له میشود. تسلیحات بازدارنده یکی از واجبات ملت ما است. آمریکایی‌ها بیخود در این قضیه دخالت میکنند که «شما موشک فلان جور داشته باشید، فلان جور نداشته باشید؛ تا فلان بُرد داشته باشید، بیشتر از آن نداشته باشید!» به شما چه؟ به شما چه ارتباطی دارد؟ [این] مربوط به ملت ایران است.

یا قضیه‌ی صنعت صلح‌آمیز هسته‌ای. صنعت صلح‌آمیز هسته‌ای برای جنگ نیست، برای اداره‌ی کشور است؛ برای کشاورزی است، برای درمان و بهداشت است، برای انرژی و همه‌ی چیزهایی است که مٔکی به انرژی است. ملت ایران دارد کار خودش را انجام میدهد؛ به شما چه؟ به شما چه ربطی دارد؟ اینکه شما میگویید «حَقِّ مسلّم ما است»، این در قراردادهای و آئین‌نامه‌های خود آژانس بین‌المللی هسته‌ای هم آمده؛ یعنی همه‌ی کشورها حق دارند در داخل کشورشان تأسیسات هسته‌ای داشته باشند، حتی تأسیسات غنی‌سازی داشته باشند. این جزو حقوق ملت است. آمریکایی‌ها چرا دخالت میکنند؟ این نشان‌دهنده‌ی نامنظم بودن و نامرتب بودنِ فکری مدیران امروز و دیروز

آمریکا است - فرق نمیکند - چرا دخالت میکنند؟ حالا عجیب‌ترش این است که دخالت میکنند، میگویند بیا بید دربارہی انرژی هسته‌ای شما با هم مذاکره کنیم و نتیجه‌ی مذاکره بشود این که شما این انرژی را نداشته باشید! اگر واقعاً مذاکره‌ای باید انجام بگیرد - که جای مذاکره نیست - اگر بنا شد مذاکره‌ای انجام بگیرد، تعیین نتیجه‌ی مذاکره از قبل، یک کار غلط و ابلهانه‌ای است. خوب تو می‌گویی بیا با هم حرف بزنیم که دربارہی فلان موضوع به توافق برسیم، چرا نتیجه را معین میکنی؟ [میگوید] «باید حتماً به این توافق برسیم!» خوب این ابلهانه است؛ این کار ابلهانه را رؤسای آمریکا و بعضی از سناتورها و رئیس‌جمهور و دیگران و دیگران دارند انجام میدهند.

بیانات در دیدار مردم آذربایجان شرقی ۱۴۰۴/۱۱/۲۸

۱۱. آمریکا این پایگاه‌های نظامی را چرا در این منطقه درست کرد؟

[رئیس‌جمهور آمریکا] اشاره میکند که «در این منطقه‌ی به قول آنها خاورمیانه و به قول ما غرب آسیا، مرگ و نیستی و جنگ وجود دارد»؛ خوب جنگ را شما راه می‌اندازید، آمریکا جنگ‌پرداز است، اصلاً جنگ را آمریکا راه می‌اندازد، جنگ را به وجود می‌آورد؛ علاوه بر ترور، جنگ‌افروزی میکنند. این جنگ مال آنها است، مرگ مال آنها است؛ کارهایی که آنها میکنند، کاری که آمریکا در این منطقه میکند [این است]. این پایگاه‌های نظامی برای چیست؟ این همه پایگاه نظامی در کشورهای مختلف این منطقه را آمریکا برای چه درست کرد؟ شما اینجا چه کار دارید؟ این منطقه چه ربطی به شما دارد؟ این منطقه مال مردم خود اینجا است. بنابراین، آنچه این شخص به عنوان بیان موضع بیان کرد، همه غلط و بسیاری دروغ و حاکی از زورگویی است؛ زورگویی هم بر روی بعضی از ملت‌ها تأثیر می‌گذارد، لکن بر روی ملت ایران هرگز تأثیر نخواهد گذاشت، بتوفیق الله.

بیانات در دیدار قهرمانان و مدال‌آوران ورزشی و المپیادهای علمی جهانی ۱۴۰۴/۰۷/۲۸

۱۲. آیا آمریکامی تواند جمهوری اسلامی را از بین ببرد؟

رئیس‌جمهور آمریکا در یکی از صحبت‌های اخیرش گفته که ۴۷ سال است که آمریکا نتوانسته جمهوری اسلامی را از بین ببرد. به مردم خودش شکایت کرده که ۴۷ سال است که آمریکا نتوانسته جمهوری اسلامی را از بین ببرد؛ این اعتراف خوبی است. بنده می‌گویم تو هم نخواهی توانست این کار را بکنی. جمهوری اسلامی یعنی یک ملت زنده. جمهوری اسلامی یک حکومت جدا از مردم نیست. جمهوری اسلامی عبارت است از ملت ایران، این ملت پابرجا، این ملت مستحکم، این ملتی که حاضر است برای پیشرفت خودش زحمت بکشد، کار کند، تلاش کند، و بحمدالله در این ۴۷ سال پیشرفت کرده. آن روزی که جمهوری اسلامی یک نهال باریک بود، شما نتوانستید آن را از زمین قلع کنید و بکنید؛ امروز که بحمدالله جمهوری اسلامی یک شجره‌ی مبارکه‌ی بلند و پُثمر است.

بیانات در دیدار مردم آذربایجان شرقی ۱۴۰۴/۱۱/۲۸

ابعاد جنگ ترکیبی
ایران و آمریکا؛
اول: جنگ نظامی

عسکری
ایران

۱۳. تهدید نظامی آمریکا چه تأثیری بر ملت ایران دارد؟

فضای تبلیغاتی دولتی آمریکا و مطبوعات و رسانه‌های صهیونیستی که در آمریکا فعال هستند، این روزها درباره‌ی ایران تقریباً یکسره تهدید است؛ تهدید میکنند که ما چنین میکنیم، ما چنان میکنیم. شما مردم تبریز و بسیاری از ملت ایران در این بیست و دوّم بهمن جواب این تهدیدها را دادید؛ نشان دادید که این تهدید اثر ندارد و اثر تهدید، عکس است؛ بعکس، انگیزه ایجاد میکند. حضور متراکم ملت در این راه‌پیمایی بیست و دوّم بهمن، پاسخ خیلی از این حرفهای بی‌معنی و مهملی را که رؤسای موجود آمریکا میزنند داد. خودشان هم که خب میدانند. خود آمریکایی‌ها که حالا مدام تهدید میکنند که جنگ میشود، فلان میشود، میدانند که طاقت این حرفها را ندارند؛ مشکلات اقتصادی‌شان، مشکلات سیاسی‌شان، اعتبار و آبروی بین‌المللی‌شان طاقت برخورد را به آن صورت ندارد؛ این را میدانند؛ میدانند که اگر چنانچه اشتباهی بکنند، چه آینده‌ای در اختیار آنها است.

بیانات در دیدار مردم آذربایجان شرقی ۱۴۰۴/۱۱/۲۸

۱۴. ملت ایران حاضر به بیعت با آمریکا می شود؟

من فقط یک کلمه عرض بکنم؛ آن روز هم گفتم که مسئله‌ی ما با آمریکا این است که آنها می‌خواهند ایران را ببلعند، ملت ایران مانع است، جمهوری اسلامی مانع است. اینها مایلند که بر ملت ایران تسلط پیدا کنند. این حرفهایی هم که رئیس‌جمهور آمریکا می‌زند گاهی تهدید میکند، گاهی میگوید باید فلان کار بشود، فلان کار نشود، معنایش این است که اینها در پی تسلط بر ملت ایرانند. ملت ایران درسهای اسلامی و شیعی خودش را خوب بلد است؛ میدانند که چه کار کنند. امام حسین (علیه السلام) فرمود: مثلی لا یُبايِعُ مثلَ یزید؛ کسی مثل من، با کسی مثل یزید بیعت نمی‌کند. ملت ایران در واقع می‌گویند: ملتی مثل ما، با این فرهنگ، با این سابقه، با این معارف عالی، با سردمدارانی مثل افراد فاسدی که امروز در آمریکا بر سر کارند، بیعت نخواهد کرد.

بیانات در دیدار مردم آذربایجان شرقی ۱۴۰۴/۱۱/۲۸

۱۵. در صورت جنگ، پاسخ ایران چگونه خواهد بود؟

این که می‌بینید گاهی صحبت جنگ میکنند که ما با فلان جور هواپیما می‌آییم چنین میکنیم، جدید نیست؛ در گذشته هم آمریکایی‌ها بارها در حرفهای خودشان تهدید میکردند که «همه‌ی گزینه‌ها روی میز است». «همه‌ی گزینه‌ها» یعنی از جمله گزینه‌ی جنگ؛ این را همیشه میگفتند دیگر: «همه‌ی گزینه‌ها روی میز است». حالا این آقا هم همین‌طور مرتباً ادعا میکند که بله، ما ناو آوردیم و کارهایی مانند این کردیم! به نظر من ملت ایران را از این چیزها نباید ترساند؛ ملت ایران تحت تأثیر این حرفها قرار نمی‌گیرد و از برخورد حق نمی‌هراسد. ما شروع‌کننده نیستیم، ما نمی‌خواهیم به کسی ظلم بکنیم، نمی‌خواهیم به کشوری حمله بکنیم، اما به آن کسی که طمع داشته باشد، بخواهد حمله بکند و ادیت بکند، ملت ایران مشت محکمی خواهد زد. البته این را هم آمریکایی‌ها بدانند که اگر این دفعه جنگی راه بیندازند، این جنگ، جنگ منطقه‌ای خواهد بود.

بیانات در دیدار اقشار مردم به مناسبت چهل و هفتمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی ۱۴۰۴/۱۱/۱۲

۱۶. آیا شما نگران حضور ناوهای آمریکایی در منطقه نیستید؟

فکر نمیکنند که راه برایشان بن بست است. به نظرشان میرسد و رئیس جمهور آمریکا مرتب هم میگوید که ارتش ما قویترین ارتش دنیا است. قویترین ارتش دنیا گاهی ممکن است آن چنان سیلی بخورد که نتواند از جا بلند شود! مدام میگویند ما ناو فرستادیم طرف ایران؛ خیلی خوب، البته ناو یک دستگاه خطرناکی است اما خطرناک تر از ناو، آن سلاحی است که میتواند این ناو را به قعر دریا فرو ببرد.

بیانات در دیدار مردم آذربایجان شرقی ۱۴۰۴/۱۱/۲۸

ابعاد جنگ ترکیبی
ایران و آمریکا؛
دوم: جنگ نرم

عاشق
ایران

۱۷. وقتی دشمن در عرصه‌ی نظامی مغلوب شود، در مرحله‌ی بعد چه برنامه‌ای را دنبال میکند؟

یک نکته‌ای وجود دارد در مورد امیرالمؤمنین (علیه السلام) که این نکته امروز هم در جامعه‌ی ما و در حکومت ما و نظام اسلامی باید مورد توجه قرار بگیرد؛ آن نکته این است که امیرالمؤمنین در هیچ درگیری نظامی مغلوب نشد؛ هیچ. در همه‌جا فاتح بود و غالب بود؛ حتی در احد. [در جنگ] احد دیگران فرار کردند، امیرالمؤمنین غلبه کرد؛ شجاعت او، ایستادگی او و یکی دو نفر دیگر اطراف پیغمبر اکرم آن فراری را که افراد ضعیف مبتلا به آن شده بودند، جبران کرد؛ یعنی امیرالمؤمنین در تمام غزوات پیروز شد. در دوران خلافت سه جنگ پیش آمد، در هر سه امیرالمؤمنین پیروز شد؛ در صفین هم پیروز شد. در صفین یک قدم بیشتر نمانده بود که مسیر تاریخ عوض بشود؛ اگر مالک اشتر میتوانست خودش را به آن نقطه برساند که نزدیک بود برساند، تاریخ عوض میشد، منتها به دستور امیرالمؤمنین برگشت. آن مشکلی که در آن زمان وجود داشت، و امروز هم وجود دارد، این است که همین امیرالمؤمنینی را که در هیچ درگیری نظامی مغلوب نشد، توانستند در موارد زیادی از رسیدن به هدف، مانع بشوند؛ یعنی راهی پیدا کردند که امروز ما به این راه میگوییم «جنگ نرم». بعضی خیال میکنند این حوادث این جوری، این تهمتها، این فریبه‌ها، این خباثتها، این نفوذها مال امروز است؛ نه، زمان امیرالمؤمنین هم همینها عامل بودند. کار دست مردم است؛ ولی خدا بدون کمک مردم که کاری نمیتواند بکند: هُوَ الَّذِي آتَاكَ بِنَصْرِهِ وَبِالْمُؤْمِنِينَ.

دشمن در مقابل شجاعت امیرالمؤمنین و قدرت امیرالمؤمنین و اراده‌ی پولادین امیرالمؤمنین چاره‌ای نداشت جز اینکه پناه ببرد به فریب محیط پیرامونی امیرالمؤمنین که در جنگ صفین این کار با سر نیزه کردن قرآن‌ها حاصل شد؛ بعد از آن هم اتفاق افتاد، زمان امام حسن هم اتفاق افتاد؛ جنگ نرم [این] است. جنگ نرم یعنی چه؟ یعنی با فریب، با دروغ، با تهمت، با وسوسه، با استدلالهای مغالطه‌آمیز مردم را از آن راهی که دارند میروند مردد کنند، در مردم تردید ایجاد کنند. این، جنگ نرم است. این جنگ امروز هم در جریان است؛ امروز هم این کار دارد انجام میگردد.

بیانات در دیدار روز میلاد امیرالمؤمنین (ع) و در سالگرد شهید سلیمانی ۱۳/۱۰/۱۴۰۴

۱۸. جنگ نرم یعنی چه؟

جنگ نرم یعنی با فریب، با دروغ، با تهمت، با وسوسه، با استدلالهای مغالطه‌آمیز مردم را از آن راهی که دارند میروند مردد کنند، در مردم تردید ایجاد

کنند. این، جنگ نرم است. این جنگ امروز در جریان است؛ امروز این کار دارد انجام میگیرد. هدف از جنگ نرم، بی‌انگیزه کردن مردم است؛ برای اینکه مردمی را که در میدانند و آماده‌ی تلاشند و آماده‌ی کارند بی‌انگیزه کنند، ناامید کنند، مأیوس کنند، دچار تردید کنند، با ابزارهای جنگ نرم وارد میدان میشوند. زمان امیرالمؤمنین این کار را کردند که در تاریخ بتفصیل جزئیاتش وجود دارد. افرادی میرفتند در شهرها، در روستاها به مردم حمله میکردند، ظلم میکردند، بعد یک نفر شایعه میکرد که اینها از طرف علی آمده‌اند. مردم را مردّد میکردند. امروز هم همین کار عیناً دارد انجام میگیرد. امروز ملت ایران نشان داده که در میدانهای سخت، آن جایی که به وجود او احتیاج هست، محکم می‌ایستد. این کار ملت ایران است، مخصوص یک گروه خاص و یک جمع خاص نیست؛ آن جایی که بایستی بایستد می‌ایستد؛ آن جایی که باید کمک کند، کمک میکند؛ آن جایی که باید شعار بدهد، شعار میدهد؛ آن جایی که بایستی دشمن را روبه‌رو مأیوس کند، مأیوس میکند. این انگیزه دشمن را نگران میکند؛ سعی میکنند این انگیزه را با بهانه‌های مختلف در افراد سست کنند، ضعیف کنند.

امروز یکی از ابزارهای جنگ نرم در میان دشمن و در میان بعضی از افراد ناباب یا غافل، عبارت است از مسکوت گذاشتن آورده‌ها و داشته‌ها و توانایی‌های این ملت؛ انکار توانایی‌های این ملت. ملت، ملت بزرگی است، کار هم میتواند بکند و دارد میکند؛ امروز دارد کار میکند. اگر ملتی از داشته‌های خود غافل بشود، توانایی‌های خود را نبیند، پیشرفتهای خود را باور نکند، تحقیر خواهد شد؛ وقتی تحقیر شد، خود را حقیر دید، آماده‌ی تسلیم در مقابل دشمن خواهد شد؛ این ترفندی است که دشمنان دارند دنبالش میکنند و انجام میدهند...

بنابراین مراقب جنگ نرم باید بود، مراقب شبهه‌سازی دشمن باید بود، مراقب شایعه‌سازی دشمن باید بود. این پولهایی که خرج میشود - میلیاردها خرج میشود - برای فلان تلویزیون، فلان رادیو، فلان مرکز اطلاع‌رسانی و مانند اینها، و علیه ایران دائماً حرفهای دروغ و خلاف منتشر میکنند، این بی‌جهت نیست، این با یک استدلال بسیار مهمی است؛ میخواهند داخل کشور را ضعیف کنند. دیدند که در جنگ دوازده‌روزه اتحاد ملت، معجزه‌آفرین بود، میخواهند این اتحاد را به هم بزنند. مردم ایران مراقب باشند. مهم‌ترین مسئله، توجه به دشمنی دشمن و توجه به اتفاق و اتحاد داخلی و درونی است؛ **أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رَحِمَاءُ بَيْنَهُمْ.**

بیانات در دیدار روز میلاد امیرالمؤمنین (ع) و در سالگرد شهید سلیمانی ۱۴۰۴/۱۰/۰۳

۱۹. هدف دشمن در جنگ نرم تبلیغی چیست؟

◀ تصرف ذهنها و مغزها و انصراف مردم از انقلاب اسلامی

ما فراتر از درگیری‌های نظامی، در کانون یک درگیری تبلیغاتی و رسانه‌ای هستیم؛ ما در جنگ تبلیغاتی قرار داریم، در جنگ معنوی قرار داریم. [وقتی] دشمن فهمید که تصرف این مُلک و این خاک و این سرزمین الهی و معنوی با ابزار فشار و ابزار نظامی امکان ندارد. فهمید که اگر بخواهد تصرفی بکند، دخالتی بکند، موفقیتی پیدا کند باید دلها را تغییر بدهد، باید مغزها و فکرها را عوض کند؛ رفتند در این خط. البته ما در مقابلشان محکم ایستاده‌ایم، اما امروز خطر این است، خط این است، هدف دشمن این است. هدف دشمن در کشور ما محو کردن آثار مشعشع مفاهیم انقلابی است؛ هدفش این است که بتدریج مردم را از یاد انقلاب، از یاد هدف انقلاب، از یاد کارهایی که در انقلاب شد، از یاد امام انقلاب منصرف کند؛ برای این دارند کار میکنند، دارند تلاش میکنند؛ میلیاردها خرج میکنند. نویسنده، هنرمند، کتاب‌نویس، رمان‌نویس، هالیوود و غیر اینها را به کار میگیرند، از ابزارهای گوناگون استفاده میکنند برای اینکه ذهن جوان ایرانی را تغییر بدهند. در مقابل ما یک جبهه‌ی وسیعی است؛ البته مرکز آمریکا است، دُور و بُرش هم بعضی از کشورهای اروپایی‌اند و در حاشیه‌اش هم مزدورها و خائنها و بی‌وطن‌ها و اینهایی [هستند] که در اروپا و در جاهای دیگر جمع شده‌اند برای اینکه به نان و نوایی برسند. ما در مقابل اینها قرار داریم.

بیانات در مراسم جشن میلاد حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها ۱۴۰۴/۰۹/۲۰

◀ بی‌انگیزه کردن، تردید افکنی و ناامیدسازی مردمی که در میدانند

هدف از جنگ نرم، بی‌انگیزه کردن مردم است؛ برای اینکه مردمی را که در میدانند و آماده‌ی تلاشند و آماده‌ی کارند بی‌انگیزه کنند، ناامید کنند، مأیوس کنند، دچار تردید کنند، با ابزارهای جنگِ نرم وارد میدان میشوند. آن زمان، [یعنی] زمان امیرالمؤمنین این کار را کردند که در تاریخ بتفصیل جزئیاتش وجود دارد. افرادی میرفتند در شهرها، در روستاها به مردم حمله میکردند، ظلم میکردند، بعد یک نفر شایعه میکرد که اینها از طرف علی آمده‌اند. مردم را مرّد میکردند. امروز هم همین کار عیناً دارد انجام میگیرد. امروز ملت ایران

نشان داده که در میدانهای سخت، آن جایی که به وجود او احتیاج هست، محکم می‌ایستد. این کار ملت ایران است، مخصوص یک گروه خاص و یک جمع خاص نیست؛ آن جایی که بایستی بایستند می‌ایستد؛ آن جایی که باید کمک کند، کمک می‌کند؛ آن جایی که باید شعار بدهد، شعار میدهد؛ آن جایی که بایست دشمن را روبه‌رو مایوس کند، مایوس می‌کند. این انگیزه دشمن را نگران می‌کند؛ سعی می‌کنند این انگیزه را با بهانه‌های مختلف در افراد سست کنند، ضعیف کنند.

بیانات در دیدار روز میلاد امیرالمؤمنین علیه السلام و در سالگرد شهید سلیمانی ۱۳/۱۰/۱۴۰۴

◀ تضعیف وحدت و یکپارچگی ملی که در جنگ ۱۲ روزه به دست آمد

عامل وحدت ملت ایران همچنان باقی است. عده‌ای — که منشأ این عده هم خارج از کشور است — می‌خواهند این جور وانمود بکنند که آن اتحادی که در ابتدای جنگ دوازده‌روزه و این مدّت پیدا شد، مال همان روزها بود؛ چند روز که بگذرد، بتدریج ضعیف میشود، اختلافات به وجود می‌آید، اختلاف نظرها غلبه پیدا میکند و این اتحاد از بین خواهد رفت؛ مردم ایران متفرّق میشوند و میتوان از گسلهای قومی استفاده کرد، از اختلافات سیاسی استفاده کرد و مردم ایران را به جان هم انداخت و اغتشاش و شورش درست کرد! این را دارند تبلیغ میکنند. من می‌خواهم بگویم این حرف، غلط محض است. بله، در مسائل سیاسی اختلاف نظر وجود دارد؛ ما اقوام زیادی هم در کشور داریم که همه ایرانی‌اند و افتخار میکنند به ایرانی بودن خودشان؛ اینها هست، منتها در مقابل دشمن، همه‌ی این مجموعه یک مشت محکم پولادینند که بر فرق دشمن فرود خواهند آمد؛ امروز این جور است، در گذشته هم همین جور بوده، بعد از این هم به

توفیق الهی این جور خواهد بود. ایران امروز و ان شاء الله فردا، همان ایران روز بیست و سوم خرداد و بیست و چهارم خرداد است که مردم آمدند خیابانها را پُر کردند و علیه صهیون ملعون و آمریکای جنایتکار شعار دادند. نکته اش هم این بود که این اتحاد ملی، این یکپارچگی مردم همچنان وجود دارد و وجود خواهد داشت؛ البته همه هم در مقابل آن مسئول هستیم.

سخنرانی تلویزیونی خطاب به ملت ایران ۱۴۰۴/۰۷/۰۱

◀ ترسیم فضای تاریک از کشور با نادیده گرفتن پیشرفتهای علمی، فنی، خدماتی و ورزشی

امروز یکی از ابزارهای جنگ نرم در میان دشمن و در میان بعضی از افراد ناباب یا غافل، عبارت است از مسکوت گذاشتن آورده‌ها و داشته‌ها و توانایی‌های این ملت؛ انکار توانایی‌های این ملت. ملت، ملت، ملت بزرگی است، کار هم میتواند بکند و دارد میکند؛ امروز دارد کار میکند. اگر ملتی از داشته‌های خود غافل بشود، توانایی‌های خود را نبیند، پیشرفتهای خود را باور نکند، تحقیر خواهد شد؛ وقتی تحقیر شد، خود را حقیر دید، آماده‌ی تسلیم در مقابل دشمن خواهد شد؛ این ترفندی است که دشمنان دارند دنبالش میکنند و انجام میدهند.

جوان نخبه‌ی امروز، جوان نخبه‌ی کارآمد، در یک روز سه ماهواره میفرستد به فضا؛ این چیز کوچکی نیست، خیلی چیز بزرگی است. جوان نخبه‌ی امروز، در طول چند ماه، چهار هزار مگاوات بر نیروی برق کشور اضافه میکند و شبکه‌ی کشور را تقویت میکند. جوان نخبه‌ی امروز، در دانشهای مختلف، در هوافضا، در زیست‌فناوری، در درمان - پزشکی - در نانو، در ساخت موشک، در صنایع نظامی، چشم دنیا را متحیر کرده، آن هم در وقت تحریم. اینها ثروت‌های بی نظیری است؛ این ثروتها را باید دید، ما اینها را داریم. در صنایع دفاعی، در شیوه‌های درمان،

امروز کارهای بزرگ دارد انجام میگیرد؛ اینها را دشمن پنهان میکند، بعضی‌ها هم متأسفانه در داخل اینها را پنهان میکنند. در داخل، متأسفانه بعضی پنهان میکنند این پیشرفته‌ها را، این کارهای بزرگ را، به مردم اطلاع‌رسانی نمیکنند. کارهای بزرگی در کشور دارد انجام میگیرد، کشور دارد پیش میرود.

بیانات در دیدار روز میلاد امیرالمؤمنین علیه السلام و در سالگرد شهید سلیمانی ۱۳/۱۰/۱۴۰۴

جوانها دارند کار میکنند، کشور دارد حرکت میکند، کشور دارد کار میکند؛ مظهر کار همین شماها (مدال‌آوران ورزشی و المپیادهای علمی) هستید. این وضع جوانهای ما است. دشمن این وضعیت را نمیخواهد ببیند. میخواهد که اگر بشود، جلوی این وضعیت گرفته بشود. پیشرفت علمی، پیشرفت فنی، پیشرفت در میدانهای خدماتی، پیشرفت در میدان ورزشی را دشمن نمیتواند ببیند؛ اما آن مقداری هم که وجود دارد و او نمیتواند جلوگیری کند، با راست و دروغ سعی میکند آن را مغشوش جلوه بدهد؛ کار دشمن این است؛ بعضی از ایرادها را بزرگ میکنند، بعضی از حقایق روشن را مکتوم نگه میدارند، عکسش را میگویند. شما که رفتید در قلعه‌ی ورزش یا قلعه‌ی علم ایستادید، در واقع نشان دادید که فضای ایران فضای روشنی است؛ برخلاف تبلیغ دشمن که میخواهد بگوید فضای ایران فضای گرفته است، فضای تاریک است. شما میخواهید بروید نشان بدهید که فضای ایران فضای روشنی است. سعی‌شان این است که خود جوان ایرانی هم باور خودش را نسبت به خودش از دست بدهد؛ این کاری است که دشمن میخواهد بکند.

بیانات در دیدار قهرمانان و مدال‌آوران ورزشی و المپیادهای علمی جهانی ۱۴۰۴/۰۷/۲۸

◀ ادعای طرفداری و دلسوزی برای مردم ایران

میگوید «من طرفدار مردم ایرانم»؛ دروغ میگوید. این تحریمهای ثانویه‌ای که چند سال است آمریکا دارد اعمال میکند و تعداد زیادی از کشورها از ترس، تحت تأثیر او قرار گرفته‌اند، این تحریمها علیه کیست؟ علیه ملت ایران. شما دشمن ملت ایرانید، دوست ملت ایران نیستید.

بیانات در دیدار قهرمانان و مدال‌آوران ورزشی و المپیادهای علمی جهانی ۱۴۰۴/۰۷/۲۸

۲۰. وظیفه ما نسبت به تهاجم تبلیغی و جنگ نرم آمریکا چیست؟

« شناخت برنامه‌ی دشمن و حرکت در جهت مقابل آن

بنابراین جبهه‌ی انقلاب و کارگزاران مقاومت باید این وضع دشمن را بشناسند، آرایش خودشان را بر طبق این نظم دشمن و مقصود دشمن قرار بدهند. ما در مسائل نظامی، آرایش صفوفمان بستگی دارد به هدف دشمن؛ وقتی می‌بینیم دشمن به یک نقطه‌ای می‌خواهد حمله کند، نوعی آرایش نظامی می‌گیریم که دشمن را ناکام کنیم؛ این کار در باب تبلیغات باید انجام بگیرد. آرایش تبلیغاتی بایستی به سمتی برود که دشمن درست همان سمت را هدف قرار داده، و آن عبارت است از معارف اسلامی، معارف شیعی و معارف انقلابی؛ دشمن اینها را هدف قرار داده؛ باید در مقابل اینها ایستاد. البته کار آسانی هم نیست.

بیانات در مراسم جشن میلاد حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها ۱۴۰۴/۰۹/۲۰

« تقویت قدرت ملت ایران با اتکا به توانایی جوانان ایرانی

آن عاملی که موجب میشود دشمن در مقابل ملت ایران در جنگ نظامی اولاً درخواست توقف جنگ را بکند، بعد هم پیغام بدهد که من نمی‌خواهم با شما جنگ کنم - دشمن خبیث البته فریب‌گرو دروغ‌گوست؛ ما به حرف او اعتمادی نداریم - آن [عاملی] که موجب میشود او این کار را نکند چیست؟ آن قدرت ملت ایران است، آن توانایی جوانان ایرانی است. من شنیدم و نقل کردند برای من که این کسانی که هفته‌ی گذشته این ماهواره‌ها را به فضا پرتاب کردند، این جوانهایی که سه ماهواره را در یک روز به فضا پرتاب کردند و در فضا مستقر شد، متوسط سنی اینها ۲۶ سال است! جوان بیست‌وشش‌ساله؛ اینها ثروتهای عظیمی است، ثروت نیروی انسانی ثروت کوچکی نیست. آن وقت آن یاوه‌گوی آمریکایی (۸) می‌نشیند راجع به ملت ایران حرف می‌زند، یک مقداری بدگویی میکند، یک مقداری وعده میدهد؛ وعده‌ی دروغ، فریب. البته امروز خوشبختانه ملت ایران آمریکا را شناخته‌اند؛ یک روزی بود که نمی‌شناختند؛ امروز تشت رسوایی آمریکا در جهان فرو افتاده، مردم همه می‌شناسند؛ مخصوص ایران هم نیست. مردم شناخته‌اند دشمن را؛ این خیلی موقفتت بزرگی است.

ما خیلی اصرار میکردیم استدلال کنیم برای مردم، [ولی] مردم در جنگ دوازده‌روزه خودشان دیدند، مشاهده کردند؛ آنهایی هم که میگفتند راه‌حل مشکلات کشور مذاکره‌ی با آمریکا است، دیدند که چه شد؛ وسط مذاکره‌ی با آمریکا، دولت ایران مشغول مذاکره‌ی با آمریکا بود، دولت آمریکا پشت صحنه مشغول آماده کردن نقشه‌ی جنگ بود! مردم بیدارند، هوشیارند.

بیانات در دیدار روز میلاد امیرالمؤمنین (ع) و در سالگرد شهید سلیمانی ۱۴۰۴/۱۰/۱۳

◀ مقابله با شایعه‌سازی و شبهه‌افکنی دشمن و حفظ اتفاق و اتحاد داخلی

خب، بنابراین مراقب جنگ نرم باید بود، مراقب شبهه‌سازی دشمن باید بود، مراقب شایعه‌سازی دشمن باید بود. این پولهایی که خرج میشود - میلیاردها خرج میشود - برای فلان تلویزیون، فلان رادیو، فلان مرکز اطلاع‌رسانی و مانند اینها، و علیه ایران دائماً حرفهای دروغ و خلاف منتشر میکنند، این بی‌جهت نیست، این با یک استدلال بسیار مهمی است؛ میخواهند داخل کشور را ضعیف کنند. دیدند که در جنگ دوازده‌روزه اتحاد ملت، معجزه‌آفرین بود، میخواهند این اتحاد را به هم بزنند. مردم ایران مراقب باشند. مهم‌ترین مسئله، توجه به دشمنی دشمن و توجه به اتفاق و اتحاد داخلی و درونی است؛ **أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رَحِمَاءُ بَيْنَهُمْ**. (۹)

بیانات در دیدار روز میلاد امیرالمؤمنین (ع) و در سالگرد شهید سلیمانی ۱۳/۱۰/۱۴۰۴

◀ نرفتن زیر بار تحمیل دشمن

اینکه یک عده‌ای تحت عناوین گوناگون، نامهای گوناگون می‌آیند به قصد تخریب، به قصد ناامن کردن کشور، پشت سر بازاری‌های مؤمن و سالم و انقلابی قرار بگیرند و از اعتراض آنها سوءاستفاده کنند، اغتشاش کنند، اصلاً قابل قبول نیست؛ مطلقاً. کار دشمن را باید شناخت، دشمن آرام نمی‌نشیند، از هر فرصتی استفاده میکند. اینجا دیدند یک فرصتی است، خواستند از آن استفاده کنند؛ البته مسئولین ما در میدان بودند و خواهند بود. مهم، مجموعه‌ی ملت است؛ مهم، همان چیزهایی است که سلیمانی را سلیمانی کرد: ایمان، اخلاص، عمل؛ مهم، بی‌تفاوت نبودن در مقابل جنگ نرم دشمن است؛ بی‌تفاوت

نبودن در مقابل شایعه‌پردازی‌های دشمن است؛ اینها مهم است. مهم این است که وقتی انسان احساس کرد دشمن طلبکارانه می‌خواهد یک چیزی را بر کشور، بر مسئولین، بر دولت، بر ملت تحمیل کند، با قدرت کامل در مقابل دشمن بایستد و سینه سپر کند. ما در مقابل دشمن کوتاه نمی‌آییم؛ ما با اتکاء به خدای متعال، با اتکال به خدای متعال و با اطمینان به همراهی مردم ان‌شاءالله به توفیق الهی دشمن را به زانو در خواهیم آورد.

بیانات در دیدار روز میلاد امیرالمؤمنین (ع) و در سالگرد شهید سلیمانی ۱۴۰۴/۱۰/۱۳

◀ در تهاجم تبلیغی، به دفاع اکتفا نکنیم، بلکه به مواضع او هجوم ببرید.

یک توصیه این است که در مواجهه‌ی با دشمن، به دفاع از آنچه او شبهه‌آفرینی میکند اکتفا نکنید. البته دفاع لازم است، باید شبهه‌آفرینی دشمن را رد کرد لکن دشمن نقطه‌ضعف زیاد دارد؛ آن نقطه‌ضعف‌ها را هدف قرار بدهید، به آنها هجوم بیاورید، هجوم بیاورید در مفاهیم شعری، که خب امروز بعضی از برادرها خوشبختانه در این زمینه هم نشان دادند که توانایی خوبی وجود دارد.

بیانات در مراسم جشن میلاد حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها ۱۴۰۴/۰۹/۲۰

◀ از نام شهیدان برای حرکت در تاریخ استفاده کنید.

[درباره‌ی شهید سلیمانی و شهدای جنگ ۱۲ روزه] چه شهدای عرصه‌ی نظامی، چه شهدای عرصه‌ی علمی، چه آحاد مردم عزیز ما که در این جنگ دوازده‌روزه به خیل شهدا پیوستند. آن کسانی که ما از نزدیک آنها را می‌شناختیم، میتوانیم شهادت بدهیم که زندگی‌شان سرتاپا جهاد بود؛ به جهاد فکر میکردند. در راه خدا تأمل و توفقی نداشتند و کار میکردند؛ شهادت هم آرزویشان بود؛ آرزویشان شهادت بود. هم شهدای نظامی، هم شهدای علمی عاشق شهادت بودند، منتظر شهادت بودند. در تاریخ نامشان ماندگار خواهد بود و ما باید از نام مبارک آنها برای حرکت در تاریخ استفاده کنیم.

بیانات در دیدار روز میلاد امیرالمؤمنین (ع) و در سالگرد شهید سلیمانی ۱۴۰۴/۱۰/۱۳

۲۱. وضعیت فعلی جوانان در جنگ ترکیبی دشمن آمریکایی صهیونی با ایران چیست؟

من راجع به جوان ایرانی یک جمله‌ی کوتاهی عرض بکنم. البته همه‌ی جوانها

مثل هم نیستند، همه‌ی مردم مثل هم نیستند؛ بهتر، بالاتر، پایین‌تر، کمتر، بهتر، داریم؛ در بین جوانها، در بین پیرها، در بین مردم، در بین روحانیّت، در بین دانشجویان و غیره، همه جور داریم اما در مجموع که حساب میکنیم، جوان ایرانی بر خلاف دروغ‌گویی‌های دشمن، یکی از مهم‌ترین امتیازات ایران است؛ یکی از مهم‌ترین امتیازات ما جوانهایمانند. در مواجهه‌ی با حوادث، امتیازاتی نیاز است؛ امروز از مهم‌ترین امتیازات، جوانهای ما هستند. دشمن میخواهد جوان ایرانی را بد معرّفی کند؛ میخواهد بگوید جوان ایرانی از لحاظ سیاسی منحرف است، وابسته‌ی به غرب است؛ جوان ایرانی از لحاظ دینی منحرف است، به دین پشت کرده؛ میخواهد بگوید جوان ایرانی از لحاظ اخلاقی لاپالای است، فاسد است؛ از لحاظ روحی ضعیف است؛ اینها را دشمن میخواهد بگوید. آنچه آنها درباره‌ی ایرانیان و عمدتاً جوانها میگویند و ترویج میکنند و در تحلیل‌هایشان می‌آورند، اینها است؛ این تصویر صد درصد غلط است؛ این جوری نیست. جوان ایرانی همان کسی است که در جنگ سلحشور است؛ وقتی جنگ میشود سینه سپر میکنند. در درگیری‌های مختلف، [از این] جوانهایی که به جبهه اعزام نمیشدند - چه در دهه‌ی ۶۰ [یعنی] در جنگ تحمیلی هشت‌ساله، چه در این جنگ، چه در دفاع از حرم - چقدر بودند که می‌آمدند گریه میکردند، اشک

جنگ ۱۲ روزہ

عائزہ بیگم
پیرا

میریختند، درخواست میکردند که ما را بفرستید، میخواهیم جهاد کنیم؛ این سلحشوری است. [جوانها] آماده‌اند؛ پس این تصویر صد درصد غلط است. بله، کسانی هم هستند که کارشان تخریب است. دیشب در تهران، در بعضی جاهای دیگر، یک مشت تخریبگر آمدند ساختمان متعلق به کشور خودشان را خراب کردند - مثلاً فرض کنید در فلان ساختمان، یک دیواری را خراب کردند - برای اینکه دل رئیس جمهور آمریکا خوش باشد؛ چون او یک حرف بی‌ربطی گفته که اگر چنانچه دولت ایران چنین کند، من می‌آیم طرف شما را - طرف این اغتشاشگرها و افراد مضر برای کشور را - میگیرم، اینها هم دلشان به او خوش است! او اگر میتواند، کشور خودش را اداره کند؛ در کشور خودش حوادث گوناگونی وجود دارد. دست او به خون بیش از هزار ایرانی آلوده است. در جنگ دوازده‌روزه، هزار و اندی از هم‌میهنان ما - غیر از سرداران و دانشمندان و بزرگان - از آحاد مردم به شهادت رسیدند؛ این شخص گفت که من دستور دادم، من در جنگ فرماندهی کردم! پس اعتراف کرد که دستش به خون ایرانی‌ها آلوده است. آن وقت میگوید من طرف دار ملت ایرانم، یک مشت آدم بی‌تجربه و بی‌توجه و فکرنکرده هم باور میکنند و قبول میکنند و طبق میل او عمل میکنند، سطل آشغال آتش میزنند، برای اینکه او خوشش بیاید. همه بدانند: جمهوری اسلامی با خون چند صد هزار انسان شریف روی کار آمده؛ در مقابل کسانی که تخریب‌کنند، جمهوری اسلامی کوتاه نخواهد آمد، مزدوری بیگانگان را تحمّل نمیکند. شما هر کسی میخواهی باش؛ مزدور بیگانه که شدی، برای بیگانه که کار کردی، ملت تو را مردود میداند، نظام اسلامی هم تو را مردود میداند؛ این مربوط به اینها. آن بابایی که با نخوت و غرور نشسته آنجا راجع به همه‌ی دنیا قضاوت میکند، او هم بداند که معمولاً مستبدین و مستکبران عالم، از قبیل فرعون و نمرود و رضاخان و محمدرضا و امثال اینها، وقتی که در اوج غرور بودند سرنگون شدند، این هم سرنگون خواهد شد. جوانهای عزیز! دینتان را، فکر سیاسی‌تان را، حضورتان را، آمادگی‌هایتان را، جدّیتتان در امر پیشرفت کشور را حفظ کنید، وحدتتان را حفظ کنید. وحدت را حفظ کنید؛ ملت یکپارچه بر هر دشمنی فائق می‌آید.

بیانات در دیدار مردم قم ۱۴۰۴/۱۰/۱۹

۲۲. واقعیت جنگ ۱۲ روزه چه بود و چه شد؟

آن کسانی که حمله کردند، با خودشان این جور محاسبه کرده بودند که وقتی به ایران حمله کردیم، به مراکز حساس ایران حمله کردیم، یک تعدادی شخصیت‌ها را از دست حکومت ایران، نظام اسلامی گرفتیم، طبعاً نظام ضعیف

خواهد شد، اینجا است که هسته‌های خفته‌ی منافق و سلطنت‌طلب و مزدور و اراذل و اوباش و مانند اینها، فَعّال خواهند شد. او با خودش این جور حساب کرد که آن کسانی که دلار میگیرند تا ماشین هم‌میهن خودشان را آتش بزنند، فَعّال خواهند شد. [این افراد] هستند دیگر، در جامعه وجود دارند، منتها وقتی یک دستگاه قدرتمندانه مشغول کار است، اینها خاموشند؛ وقتی به خیال طرف مقابل، دستگاه ضعیف شد، اینها فَعّال میشوند و می‌آیند وسط جامعه، مردم را تحریک میکنند و تا آنجایی که بتوانند افراد را میکشانند به خیابانها و خلاصه مسئله‌ی نظام را تمام میکنند و حل میکنند. این خواب خوشی بود که این حضرات دیده بودند.

واقعیت عکس این شد، درست نقطه‌ی مقابل این شد؛ حمله‌ی دشمن نشان داد که خیلی از محاسباتی که بعضی‌ها، چه در زمینه‌های سیاسی و امثال اینها انجام میدهند، محاسبات درستی نیست. چهره‌ی دشمن آشکار شد، هدفهای پنهان دشمن که هیچ وقت نمیگذارند در اظهاراتشان ظاهر بشود، تا حدود زیادی روشن شد؛ هشت ماه، نُه ماه، می‌نشینند نقشه میکشند برای یک اقدام، برای یک حرکت نظامی، و افراد خیال میکنند که نه، خبری نیست و چیزی نیست؛ آحاد مردم فهمیدند این جور نیست. خداوند نقشه‌ی آنها را باطل کرد، این نقشه را خدای متعال باطل کرد؛ مردم را به پشتیبانی دولت، به پشتیبانی نظام وارد میدان کرد. مردم وارد میدان شدند اما درست در نقطه‌ی مقابل آن جبهتی که دشمن محاسبه کرده بود و نقشه کشیده بود؛ در جهت حمایت از نظام، در جهت پشتیبانی جانی و مالی. در تلویزیون، اظهارات افراد مختلف را مشاهده کردید دیگر، که با ظاهرهای گوناگون، چهره‌های گوناگون، لباسهای گوناگون که هیچ به نظر هم نمی‌آید اینها حاضر باشند این جور فداکارانه حرف بزنند؛ البته حرف با عمل فاصله دارد اما خود نفس حرف زدن، آن انگیزه‌ای که موجب میشود انسان حرف بزند، وجود دارد؛ این خیلی مهم است. کسی باور نمی‌کرد و شد و اتفاق افتاد. این افراد، همه با جهت‌گیری‌های سیاسی گوناگون، با جهت‌گیری‌های سیاسی گاهی متقابل، با وزن مذهبی کاملاً متفاوت، در کنار هم ایستادند و این وحدت بزرگ را، این اتحاد عظیم ملی را به وجود آوردند.

بیانات در دیدار رئیس و مسئولان قوه قضائیه ۱۴۰۴/۰۴/۲۵

۲۳. طراحی دشمن در جنگ ۱۲ روزه چه بود؟

یک نقطه‌ی دیگر در این حادثه وجود دارد که بسیار مهم است، و آن، نقطه‌ی ملی است؛ غیر از جنبه‌ی سازمانی و نظامی و اطلاعاتی و امنیتی و غیره، آنچه در این حادثه اتفاق افتاد، «امر ملی» بود. آن کسانی که حمله کردند، با خودشان این جور محاسبه کرده بودند - واقعاً این جور محاسبه کرده بودند، این جزو

کارهایی بود که نشسته بودند، نقشه کشیده بودند - که وقتی به ایران حمله کردیم، به مراکز حساس ایران حمله کردیم، یک تعدادی شخصیت‌ها را از دست حکومت ایران، نظام اسلامی گرفتیم، طبعاً نظام ضعیف خواهد شد، اینجا است که هسته‌های خفته‌ی منافق و سلطنت‌طلب و مزدور و اراذل و اوباش و مانند اینها، فعال خواهند شد. او با خودش این جور حساب کرد که آن کسانی که دلار میگیرند تا ماشین هم‌میهن خودشان را آتش بزنند، فعال خواهند شد. [این افراد] هستند دیگر، در جامعه وجود دارند، منتها وقتی یک دستگاه قدرتمندانه مشغول کار است، اینها خاموشند؛ وقتی به خیال طرف مقابل، دستگاه ضعیف شد، اینها فعال میشوند و می‌آیند وسط جامعه، مردم را تحریک میکنند و تا آنجایی که بتوانند افراد را میکشاند به خیابانها و خلاصه مسئله‌ی نظام را تمام میکنند و حل میکنند. این خواب خوشی بود که این حضرات دیده بودند. واقعیت چه شد؟ واقعیت عکس این شد، درست نقطه‌ی مقابل این شد؛ حمله‌ی دشمن نشان داد که خیلی از محاسباتی که بعضی‌ها، چه در زمینه‌های سیاسی و امثال اینها انجام میدهند، محاسبات درستی نیست. چهره‌ی دشمن آشکار شد، هدفهای پنهان دشمن که هیچ وقت نمیگذارد در اظهاراتشان ظاهر بشود، تا حدود زیادی روشن شد؛ هشت ماه، نُه ماه، می‌نشینند نقشه میکشند برای یک اقدام، برای یک حرکت نظامی، و افراد خیال میکنند که نه، خبری نیست و چیزی نیست؛ آحاد مردم فهمیدند این جوری نیست. خداوند نقشه‌ی آنها را باطل کرد، این نقشه را خدای متعال باطل کرد؛ مردم را به پشتیبانی دولت، به پشتیبانی نظام وارد میدان کرد. مردم وارد میدان شدند اما درست در نقطه‌ی مقابل آن جهتی که دشمن محاسبه کرده بود و نقشه کشیده بود؛ در جهت حمایت از نظام، در جهت پشتیبانی جانی و مالی. در تلویزیون، اظهارات افراد مختلف را مشاهده کردید دیگر، که با ظاهرهای گوناگون، چهره‌های گوناگون، لباسهای گوناگون که هیچ به نظر هم نمی‌آید اینها حاضر باشند این جور فداکارانه حرف بزنند. کسی باور نمی‌کرد و شد و اتفاق افتاد. این افراد، همه با جهت‌گیری‌های سیاسی گوناگون، با جهت‌گیری‌های سیاسی گاهی متقابل، با وزن مذهبی کاملاً متفاوت، در کنار هم ایستادند و این وحدت بزرگ را، این اتحاد عظیم ملی را به وجود آوردند.

۲۴. چرا ایران، پیروز جنگ ۱۲ روزه است؟

نکته‌ی اول این است که ملت ایران در جنگ دوازده‌روزه، هم آمریکا را شکست داد، هم صهیونیست‌ها را شکست داد؛ بدون تردید. آمدند شرارت کردند، کتک خوردند و دست خالی برگشتند؛ شکست به معنای واقعی کلمه این است. بله، شرارت کردند اما دست خالی برگشتند؛ یعنی به هیچ کدام از هدفهای خودشان نرسیدند. بنا به قولی، رژیم صهیونی بیست سال برای این جنگ برنامه‌ریزی و آماده‌سازی کرده بود؛ بعضی این جور نقل کردند. بیست سال برنامه‌ریزی برای اینکه یک جنگی در ایران رخ بدهد و مردم تحریک بشوند و با آنها همراهی کنند و با نظام بجنگند؛ برای این برنامه‌ریزی شده بود. [اما] دست خالی برگشتند؛ قضیه بعکس شد و ناکام شدند و حتی کسانی هم که با نظام زاویه داشتند، در کنار نظام قرار گرفتند؛ یک اتحاد عمومی در کشور به وجود آمد که باید این را قدر دانست و نگه داشت. بله ما خسارتهایی دیدیم، جانهای عزیزی از دست ما رفتند، در این تردیدی نیست؛ خب این طبیعت جنگ است؛ در آیه‌ی شریفه‌ی قرآن [میفرماید:] «فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ»؛ در طبیعت جنگ همین هست لکن جمهوری اسلامی نشان داد که کانون «اراده» و «قدرت» است؛ میتواند تصمیم بگیرد، میتواند قدرتمندانه پایستد و ازهای وهوی این و آن واهمه نکند. خسارتهای مادی‌ای که بر دشمن وارد شد، بسیار بیشتر بود از خسارتهای مادی‌ای که بر کشور ما وارد شد؛ ما هم البته خسارت دیدیم اما او که حمله را شروع کرد، بیشتر از ما خسارت دید.

مطلب دوم اینکه در این جنگ دوازده‌روزه، آمریکا بشدت ضرر کرد؛ آخرین تسلیحات و پیشرفته‌ترین تسلیحات را در آفند و پدافند به کار برد؛ از زیردریایی‌هایش استفاده کرد، از هواپیماهای جنگنده‌اش استفاده کرد، از پیشرفته‌ترین پدافندش استفاده کرد اما نتوانست به آنچه می‌خواهد برسد. او می‌خواست ملت ایران را فریب بدهد، ملت ایران را به دنبال خودش بکشد، قضیه بعکس شد؛ همان‌طور که گفتم اتحاد ملت ایران در مقابل آمریکا بیشتر شد و توانستند به معنای واقعی کلمه طرف را ناکام کنند.

سخنرانی تلویزیونی خطاب به ملت ایران ۱۴۰۴/۰۹/۰۶

۲۵. عامل شکست دشمن در جنگ ۱۲ روزه چه بود؟

در جنگ دوازده روزه، اتحاد ملت ایران، یکپارچگی ملت ایران، دشمن را ناامید کرد؛ یعنی دشمن از همان روزهای اوایل و اواسط جنگ فهمید که به آن مقصود و غرضی که داشته، دست نخواهد یافت. غرض دشمن، زدن فرماندهان نبود؛ این یک وسیله بود. دشمن با خودش فکر کرده بود که فرماندهان نظامی را بزند، بعضی شخصیت‌های مؤثر نظام را بزند، در کشور اغتشاش به وجود بیاید و بخصوص در تهران، عوامل آنها به آشوب و اغتشاش دست بزنند و مردم را - افرادی را که میتوانند - به خیابانها بکشانند و به وسیله‌ی مردم، علیه جمهوری اسلامی حادثه‌ای درست کنند. این هدف بود؛ بنابراین هدف، جمهوری اسلامی بود؛ هدف، مختل کردن نظام بود؛ اینها حتی برای بعد از جمهوری اسلامی نشسته بودند، نقشه کشیده بودند و فکر کرده بودند. میخواستند فتنه درست کنند، فتنه‌های خیابانی درست کنند، دسته‌جاتی را راه بیندازند و ریشه‌ی اسلام را در کشور بکنند؛ این هدف دشمن بود.

خب این هدف در همان قدمهای اول شکست خورد. سرداران که تقریباً بلافاصله جایگزین شدند، کسانی جایگزین آنها معین شدند و وضع و نظام و ترتیب و قاعده‌ی نیروهای مسلح با همان استحکام و با روحیه‌ی بالاتر باقی ماند؛ اما مردم که مؤثرترین عنصر، آنها بودند، مطلقاً تحت تأثیر آنچه دشمن میخواست قرار نگرفتند؛ تظاهراتی به وجود آمد، خیابانها پُر شد اما علیه دشمن، نه علیه نظام اسلامی. کار را مردم به جایی رساندند که دشمن، آن کسانی که در بیرون مرزها هستند، به عوامل خودشان گفتند: «بی‌عرضه‌ها! ما

دیگر چه کار میتوانستیم برای شماها بکنیم که نکردیم؟ زمینه‌ها را فراهم کردیم، بمباران کردیم، عذای را ترور کردیم، کشتیم؛ چرا کاری نمیکنید؟». این عواملشان در ایران، در تهران - که البته بدون شک عواملی دارند - اینها جواب دادند، گفتند ما میخواستیم کارهایی بکنیم [اما] مردم به ما اعتنائی نکردند، به ما پشت کردند؛ مسئولان و کسانی هم که مسئول انضباط کشور بودند نگذاشتند، مانع شدند و ما نتوانستیم کاری را انجام بدهیم. پس نقشه‌ی دشمن عقیم شد.

سخنرانی تلویزیونی خطاب به ملت ایران ۱۴۰۴/۰۷/۰۱

۲۶. جنگ ۱۲ روزه چه فایده‌ای برای کشور ما داشت که خود را پیروز آن بدانیم؟

آنچه در این دوازده روز برای جمهوری اسلامی اتفاق افتاد، علاوه بر افتخارات بزرگی که ملت ایران کسب کرد - که امروز مردم دنیا هم دارند به آن اعتراف میکنند - [این بود که] جمهوری اسلامی و ملت عزیز ایران قدرت خود، عزم و اراده‌ی خود، استقامت خود، دست پُر خود را به دنیا نشان داد. اگر دیگران از دور چیزی شنیده بودند، از نزدیک قدرت جمهوری اسلامی را احساس کردند. علاوه‌ی بر اینها، این نکته مهم است که جمهوری اسلامی استحکام بی‌نظیر پایه‌های نظام و کشور خود را به دنیا نشان داد.

این حوادث برای جمهوری اسلامی بی‌سابقه نبود؛ از اوّل انقلاب بارها از این حوادث برای کشور رخ داده؛ علاوه‌ی بر جنگ تحمیلی هشت ساله، فتنه‌انگیزی‌ها، کشاندن افراد سست‌عنصر در مقابل ملت، فتنه‌های گوناگون نظامی، سیاسی، امنیتی و غیره، کودتا و امثال اینها [رخ داده؛ اما] جمهوری اسلامی بر همه‌ی اینها فائق آمد؛ جمهوری اسلامی توانست در طول این [بیش از] ۴۵ سال همه‌ی توطئه‌های دشمن را با تحمل سختی‌هایش خنثی کند، و توانست بر همه‌ی دشمنان در این زمینه‌ها فائق بیاید.

بیانات در مراسم بزرگداشت شهیدای جنگ تحمیلی اخیر ۱۴۰۴/۰۵/۰۷

۲۷. وظیفه ما نسبت به دست آورد داخلی جنگ ۱۲ روزه (اتحاد عظیم ملی) چیست؟

حرف من این است که این [اتحاد عظیم ملی] را حفظ کنید؛ همه این را نگه دارید؛ روزنامه‌نگار یک جور، قاضی یک جور، مسئول دولتی یک جور، روحانی

یک جور، امام جمعه یک جور. هرکسی یک وظیفه‌ای دارد در قبال این حالت؛ این را نگه دارند. این با اختلاف سلیقه‌ی سیاسی منافات ندارد، با اختلاف وزن مذهبی منافات ندارد. این، در کنار هم ایستادن برای دفاع از یک حقیقت است؛ دفاع از کشور است، دفاع از نظام است، دفاع از ایران عزیز است.

البته یک کارهایی لازم است، یک کارهای مضر است. «تبیین» لازم است؛ رفع مغالطه‌هایی که گاهی انجام میگیرد لازم است؛ اما ایرادهای غیر لازم را به میان کشیدن و درباره‌اش بحث کردن و بر روی مسائل کوچک جنجال کردن، مضر است؛ اینها با هم فرق دارد. همان ابطال مغالطه‌ای هم که عرض کردیم، آن را هم با انواع مختلفی میشود انجام داد؛ با آن بهترین شکلش باید آن را انجام بدهند که مشکلی برای کشور به وجود نیاید.

وفاداری به نظام در زبان، در اظهار، چیز لازم و مفیدی است؛ هم لازم است، هم مفید است. یا همه، سیاستهای کلی نظام را در همین زمینه‌ی مورد بحث تأیید کنند و حمایت کنند و مورد قبول قرار بدهند، این لازم است اما اینکه یک اختلاف نظرهایی که وجود دارد بین افراد، اینها را غلیظ کنند که این مال فلان جناح است، این مال فلان جناح است، این حرفش این جوری است، نه، این

مضر است. بنابراین یک کار لازم است، یک کار مضر است؛ ما اینها را از همدیگر باید تفکیک کنیم.

شور و هیجان عمومی مردم لازم است. امروز ملت ایران یک شور و هیجانی دارد، بخصوص جوانها شور و هیجان دارند؛ این چیز خیلی خوبی است، این چیز خیلی لازمی است، اما بی صبری مضر است. اینکه بی صبری کنند، دائم پا به زمین بکوبند که آقا چرا نشد، چرا نکردید، چرا اقدام نشد و مانند اینها، این مضر است. یعنی بدانیم که کدام کار، کار درستی است، کدام کار، کار مضر است.

آخرین توصیه‌ای که من می‌خواهم عرض بکنم، این است که دستگاه‌های مسئول که امروز بحمدالله مشغول کار هستند، چه دستگاه‌های مسئول در عرصه‌ی نظامی، چه دستگاه‌های مسئول در عرصه‌ی دیپلماسی - هر دو - که به شکل درست و با جهت‌گیری درست، هر دو لازم است، بایستی با قوت کار خودشان را انجام بدهند، منتها جهت‌گیری‌ها را توجه کنند. بخصوص در عرصه‌ی دیپلماسی جهت‌گیری خیلی مهم است؛ جهت‌گیری‌ها کاملاً مراعات بشود، دقت بشود، کار بشود و انجام بگیرد ان شاءالله.

ممکن است کسی در یک قضیه‌ی مربوط به نظامی یا دیپلماسی یا غیره به یک مسئولی اعتراض داشته باشد، ما نمی‌گوییم اعتراض را نگویند؛ چرا، منتها اولاً لحنی که برای بیان اعتراض و بیان انتقاد انتخاب میشود لحن قابل قبولی

باشد؛ ثانیاً بعد از تحقیق باشد، بعد از اطلاع‌یابی باشد. گاهی اوقات در روزنامه‌ها و بعضی جاهای دیگر، یک چیزهایی را من میبینم، بعضی یک حرفهایی میزنند، اعتراضهایی میکنند که ناشی از بی‌اطلاعی است، نمیدانند چه کار انجام گرفته یا چه کار باید انجام میگرفته و نشده و مثلاً [باید] انجام بگیرد؛ ناشی از بی‌اطلاعی است. اطلاع درست به دست بیاورند و با لحن مناسب نظراتشان را ابراز کنند. آن مسئولین هم با قوت تمام، با روحیه‌ی کامل ان‌شاءالله به کارهای خودشان ادامه بدهند.

بیانات در دیدار رئیس و مسئولان قوه قضائیه ۱۴۰۴/۰۴/۲۵

۲۸. ترامپ، صهیونیست‌های مایوس بعد از جنگ ۱۲ روزه امیدوار کرد

رئیس‌جمهور آمریکا در فلسطین اشغالی با یک مشت حرف پوچ و با لودگی سعی کرد صهیونیست‌های مایوس را امیدوار کند و بهشان روحیه بدهد؛ تحلیل من از سفر رئیس‌جمهور آمریکا به داخل فلسطین اشغالی و این کارهایی که کرد و این حرفهایی که زد این است. اینها مایوسند؛ اینها در جنگ دوازده‌روزه آن چنان سیلی خوردند که باور نمیکردند، توقعش را نداشتند، و مایوس شدند. این رفت تا به آنها روحیه بدهد، این رفت آنها را از یأس خارج کند؛ این جور حرفهایی که اوزد، حرفهایی است که به مسئولین مایوس زده میشود. آنها توقع نداشتند که موشک ایرانی، ساخت دست جوان ایرانی بتواند با شعله‌های خودش، با آتش خودش، اعماق برخی از مراکز حساس تحقیقاتی آنها را تبدیل به خاکستر بکند؛ توقع این را نداشتند و این اتفاق افتاد؛ اینها توانستند به اعماق برخی از مراکز مهم رژیم صهیونی نفوذ کنند و آنها را تخریب کنند، نابود کنند. جمع‌بندی من این است: این یاوه‌گویی‌هایی که این آقا در آنجا انجام داد، این حرفهای سبک

کودتای ۱۸ و ۱۹ادی

عائشہ
پیرزادہ

و رفتارهای جلف، برای این بود که به طرف مقابل روحیه بدهد، به آنها روحیه بدهد؛ آنها روحیه‌شان را از دست داده‌اند.

بیانات در دیدار قهرمانان و مدال‌آوران ورزشی و المپیادهای علمی جهانی ۱۴۰۴/۰۷/۲۸

۲۹. دسترسی جمهوری اسلامی به مراکز مهم آمریکا در منطقه اتفاق بزرگی بود

رژیم آمریکا وارد جنگ مستقیم شد. لکن هیچ دستاوردی از این جنگ نداشت. به مراکز هسته‌ای ما حمله کردند اما نتوانستند کار مهمی انجام بدهند. رئیس‌جمهور آمریکا در شرح آنچه واقع شده بود بزرگ‌نمایی غیرمتعارفی کرد، معلوم شد که به این بزرگ‌نمایی احتیاج دارد؛ هر کسی می‌شنید آن حرفها را، می‌فهمید که در زیر ظاهر این حرفها یک حقیقت دیگری وجود دارد. کاری نتوانستند انجام بدهند، به مقصودی که داشتند نتوانستند برسند و بزرگ‌نمایی میکنند تا حقیقت را بپوشانند و مکتوم نگه دارند. اینجا هم جمهوری اسلامی پیروز شد و متقابلاً جمهوری اسلامی سیلی سختی به گونه‌ی آمریکا نواخت؛ به یکی از پایگاه‌های مهم آمریکا در منطقه، پایگاه العُدید، حمله کرد و خساراتی وارد کرد. همان کسانی که در آن قضیه بزرگ‌نمایی کرده بودند، در این قضیه سعی کردند کوچک‌نمایی کنند، بگویند هیچ اتفاقی نیفتاده، در حالی که اتفاق بزرگی افتاده بود. اینکه جمهوری اسلامی دسترسی داشته باشد به مراکز مهم آمریکا در منطقه و هر وقت مقتضی دانست علیه آنها اقدام بکند، این حادثه‌ی کوچکی نیست، حادثه‌ی بزرگی است، در آینده هم این حادثه قابل تکرار است؛ در صورتی که تعرضی صورت بگیرد، هزینه‌ی دشمن و هزینه‌ی متعرض قطعاً هزینه‌ی بالایی خواهد بود.

سومین پیام تلویزیونی خطاب به ملت ایران در پی تهاجم رژیم صهیونی ۱۴۰۴/۰۴/۰۵

۳۰. چه شد که فتنه‌ی ۱۸ و ۱۹ دی ۱۴۰۴ به وجود آمد و ماهیت آن چیست؟

میخواهم چند جمله راجع به این فتنه‌ی اخیر عرض بکنم. یک فتنه‌ی واقع

شد، یک مقداری مردم را اذیت کرد، آزار داد، به کشور ضرر زد - فتنه است دیگر - بعد هم به توفیق الهی، به دست مردم و به دست مسئولان و مأموران وقت شناس و کار بلد، بحمدالله این فتنه خاموش شد. باید فتنه را بشناسید. من اینجا چند مطلب را میخواهم عرض بکنم: اول اینکه ماهیت فتنه را بفهمیم؛ اصلاً این فتنه چه بود، برای چه به وجود آمد.

◀ فتنه آمریکایی

ماهیت این فتنه، یک فتنه‌ی آمریکایی بود. واضح بود؛ آمریکایی‌ها برنامه‌ریزی کردند، فعالیت کردند... همان «إِنَّهُ فَكَّرَ وَقَدَّرَ * فَفَعَلْ كَيْفَ قَدَّرَ»: نشست فکر کرد [که چه کند]. اینها نمیتوانند تحمل کنند. این مربوط به آنها است. البته در گذشته وقتی فتنه‌ای از این قبیل - که خب فتنه‌های متعددی داشته‌ایم - در کشور اتفاق می‌افتاد، غالباً مطبوعاتی‌های آمریکا، سیاستون درجه‌ی دوّم آمریکا یا کشورهای اروپایی دخالت میکردند؛ در این فتنه این خصوصیت بود که شخص رئیس‌جمهور آمریکا، شخص خود او، در این فتنه دخالت کرد، حرف زد، اظهار نظر کرد، تهدید کرد، فتنه‌گران را تشویق کرد؛ پیغام داد از آمریکا به این کسانی که حالا بعد خواهیم گفت چه کسانی بودند، که بروید جلو، نترسید؛ گفت از شما حمایت میکنیم، حمایت نظامی میکنیم؛ یعنی خود رئیس‌جمهور آمریکا، وارد فتنه شد و جزو فتنه است. یک عده، یک تعدادی، این مجموعه‌ای که تخریب کردند و آتش زدند و رفتند و کارهای خلاف کردند و آدم کشتند، اینها را [به عنوان] ملت ایران معترفی کرد؛ یعنی تهمت بزرگی به ملت ایران زد؛ گفت اینها ملت ایرانند و من میخواهم از ملت ایران دفاع کنم. اینها جرم است. این دلایلی که عرض کردم، دلایل مستندی است، یعنی هیچ چیز پنهانی وجود

ندارد؛ آشکارا گفت، آشکارا حرف زد، آشکارا تشویق کرد. پشت سر هم مستنداتی داریم که کمک کردند؛ هم آنها، هم رژیم صهیون، کمک کردند که حالا آن را هم مختصراً عرض خواهم کرد. ما رئیس جمهور آمریکا را مجرم میدانیم؛ هم به خاطر تلفات، هم به خاطر خسارات، هم به خاطر تهمتی که به ملت ایران زد.

بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم در سالروز مبعث پیامبر اعظم (صلی الله علیه وآله وسلم) ۱۴۰۴/۱۰/۲۷

بنابراین [درباره] این فتنه‌ی هجدهم و نوزدهم دی ماه فتنه‌ی آمریکایی و صهیونی بود. قبلاً هم من در یک روز دیگری در این جلسه گفتم، این کسانی که آمده بودند اغتشاش میکردند، دو دسته بودند، دو جور آدم بودند: یک جور آدمهای سردسته، یک جور هم پیاده‌نظام و «هَمْجُ الرَّعَاعِ». آن سردسته‌ها آموزش دیده بودند؛ پول گرفته بودند، آموزش دیده بودند، بهشان یاد داده بودند چه جوری حرکت کنید، چه جوری حمله کنید، به کجا حمله کنید، چه جوری جوانها را جمع کنید، چه جوری با آنها حرف بزنید؛ همه‌ی اینها را به سردسته‌ها یاد داده بودند، آموزش داده بودند. خیلی از آن سردسته‌ها گرفتار شدند، دستگیر شدند، اعتراف کردند به این چیزها. یک عده هم جوانهای هیجانی بودند که سروصدایی بود، راه افتادند آمدند؛ درباره‌ی آنها خیلی مشکلی نداریم. فتنه، فتنه‌ی آمریکایی بود؛ نقشه، نقشه‌ی آمریکا بود. نه فقط آمریکا، بلکه صهیونی، رژیم صهیونی هم همراه بود. «آمریکا» که میگویم، فقط یک ادعا نیست؛ از راه‌های اطلاعاتی امنیتی مخفی پیچیده و پیچ‌درپیچ هم به دست ما نرسیده. البته چرا، اطلاع داریم از خیلی از خصوصیات، اما آنچه واضح میکند که این حرکت یک حرکت آمریکایی بود، فرمایشات خود آن رئیس جمهور ایالات متّحده است؛ اولاً صریحاً خطاب به این اغتشاشگرها میگفت «مردم ایران!»؛ حالا روز بیست و دوم دی ماه چند میلیون آدم در تهران و در شهرستان‌ها جمع شدند، آنها مردم ایران نبودند، [اما] این چند هزار نفر مردم ایران بودند! به اینها میگفت «مردم ایران»، بعد هم گفت «(بروید جلو، بروید جلو، من دارم می‌آیم!)». پس فتنه، فتنه‌ی آمریکایی بود.

◀ کودتای خشن

اما راجع به این فتنه، من در یک کلمه به شما بگویم: عزیزان من! آنچه اتفاق افتاد، یک «کودتا» بود که شکست خورد. این جور نبود که فرض کنیم یک عده جوان یا غیر جوان در یک جایی عصبانی شدند، حرکتی کردند، اقدامی کردند، اعتراضی کردند یا اغتشاشی کردند؛ نه، بیش از این حرفها بود؛ کودتا بود، منتها این کودتا زیر پای ملت ایران له شد.

به طور خلاصه قضیه این جوری است: دستگاه‌های اطلاعاتی و جاسوسی دو کشور آمریکا و فلسطین اشغالی، یعنی همین رژیم صهیونی باطل، به کمک دستگاه‌های اطلاعاتی بعضی از کشورهای دیگر – که بعضی از آن کشورها را هم ما می‌شناسیم – در طول زمان گشته‌اند یک تعدادی افراد شرور یا دارای زمینه‌های شرارت را در کشورمان پیدا کرده‌اند، اینها را برده‌اند، به آنها پول داده‌اند، اسلحه داده‌اند، آموزش خرابکاری داده‌اند، آموزش ورود در مراکز نظامی یا مراکز دولتی داده‌اند، و فرستاده‌اند به ایران، منتظر برای یک فرصت، که هرگاه یک فرصتی پیدا شد، اینها کار خودشان را شروع کنند. کار آنها هم عبارت است از اینکه یک عده مخاطب ساده‌دل را – یا جوان یا غیر جوان را – تحت تأثیر قرار بدهند، عصبانی کنند و آنها را وادار کنند به ورود در میدانهای سخت. این فرصت برایشان

پیش آمد؛ در حدود یک ماه و نیم قبل وارد میدان شدند و این جوانهای ساده دل و بی تجربه را جلو انداختند؛ به کجا؟ به [سوی] مراکز حساس؛ مراکز نظامی، مراکز زیربنائی، مراکز انبارهای بنزین، مراکز حساس نظامی و دولتی. اینها را آنجا [جلو] انداختند و خودشان هم با سلاحهای مختلف وارد میدان شدند و سیاستشان این بود که حرکت، حرکت خشن و بی ملاحظه باشد؛ مثل حرکت داعش. تصمیم گرفتند که خشن عمل کنند؛ لذا انسان زنده را آتش میزنند، بچه را در بغل پدرش میکشند؛ کارهای خشن میکنند.

بیانات در دیدار مردم آذربایجان شرقی ۱۴۰۴/۱۱/۲۸

۳۱. منشأ این کودتا از کجا بود و از کجا هدایت می شد؟

... نکته ای که در مورد این فتنه وجود دارد و خوب است به آن توجه داشته باشید، این است که نقشه و طراحی این فتنه در خارج اتفاق افتاده بود، مربوط به داخل نبود. بله، یک عده داخلی این فتنه و اغتشاش را راه انداختند لکن نقشه را در خارج کشیده بودند. از خارج دستور داده میشد، یعنی اینها با خارج تماس داشتند، البته همین سردسته ها؛ سردسته ها تماس داشتند با خارج، آنها میگفتند حالا این کار را بکنید، حالا به فلان جا حمله کنید، حالا به فلان خیابان بروید؛ این چیزها را از خارج بهشان میگفتند و با استفاده از امکانات ماهواره و امثال اینها، اطلاعاتی به دست می آوردند و اینها را راهنمایی میکردند. بنده از یک طریقی مطلع شدم که یک عنصر آمریکایی مؤثر در حکومت، به این طرف ایرانی اش گفته بود که در این قضیه ای اخیری که در ایران اتفاق افتاد، سازمان سیا آمریکا و سازمان موساد رژیم صهیون، همه ای امکانات خودشان را به صحنه آوردند! این را یک آمریکایی اعتراف کرد، گفت دو دستگاه جاسوسی فعال و معتبر، یعنی سیا و موساد، همه ای امکاناتشان را به میدان آوردند و در عین حال شکست خوردند. نقشه بیرون کشیده شده بود، از بیرون اداره میشد و دستور داده میشد.

بیانات در دیدار اقدار مردم به مناسبت چهل و هفتمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی ۱۴۰۴/۱۱/۱۲

۳۲. هدف از کودتای ۱۸ و ۱۹ دی ۱۴۰۴ چه بود و نتیجه چه شد؟

◀ بلعیدن ایران

هدف آمریکایی‌ها هم – این را من قاطع، صریح، با تجربه‌ی چهل و چندساله‌ی در جمهوری اسلامی عرض میکنم – بلعیدن ایران است. این سلطه‌ای که اینها بر این کشور داشتند، به دست مردم، به دست جوانها، به دست آحاد مردم در سراسر کشور و با رهبری امام بزرگوار از بین رفت؛ و از اول انقلاب تا امروز، اینها به فکرند که این سلطه را برگردانند؛ یعنی باز ایران را تحت سلطه‌ی نظامی خودشان، تحت سلطه‌ی سیاسی خودشان، تحت سلطه‌ی اقتصادی خودشان قرار بدهند؛ هدف این است. این مربوط به رئیس‌جمهور فعلی آمریکا هم نیست؛ این مربوط به این شخصی که الان رئیس‌جمهور است، نیست؛ این مربوط به سیاست آمریکا است. سیاست آمریکا این است که کشوری با این خصوصیات را در یک چنین مرکز حساس جغرافیایی، با این امکانات، با این وسعت، با این جمعیت، نمیتوانند تحمل کنند؛ چنین کشوری، با این پیشرفتهایی که دارد از لحاظ علمی، از لحاظ فناوری در بخشهای مختلف میکند، برای آمریکایی‌ها قابل تحمل نیست.

بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم در سالروز مبعث پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله و سلم) ۱۴۰۴/۱۰/۲۷

◀ سست کردن پایه‌های نظام با کودتا

هدف [فتنه اخیر] چه بود؟ هدف این بود که پایه‌های نظام را سست کنند،

متزلزل کنند، مراکز حساس را بگیرند، صداوسیما را بگیرند و از این قبیل؛ این کاری بود که اینها میخواستند بکنند. نیروهای انتظامی، بسیج، سپاه و تعداد زیادی جوان که نه جزو بسیج بودند، نه جزو سپاه بودند، در مقابل اینها قرار گرفتند. بعضی با دست خالی با اینها برخورد کردند، بعضی هم شهید شدند؛ لکن در نهایت چه شد؟ در نهایت، دشمن چه قبول بکند، چه قبول نکند، این کودتایی که با این همه زحمت، با این همه خرج، با این همه پیش‌بینی، آن را در داخل کشور فراهم کرده بودند، به خاک نشست و شکست خورد و ساقط شد. این اتفاقی بوده که افتاده. قضیه، قضیه‌ی مهمی است، قضیه‌ی کوچکی نیست.

بیانات در دیدار مردم آذربایجان شرقی ۱۴۰۴/۱۱/۲۸

اختلال در زندگی و امنیت مردم

هدف دشمن برهم زدن امنیت کشور بود؛ [اینکه] در درجه‌ی اول امنیت کشور را به هم بزنند. وقتی امنیت نباشد، هیچ چیزی نیست. وقتی امنیت نباشد، تولید هم نیست، نان هم نیست، درس و بحث هم نیست، مدرسه هم نیست، تحقیقات هم نیست، علم هم نیست، پیشرفت هم نیست؛ همه‌ی اینها در سایه‌ی امنیت به وجود می‌آید. این کسانی که امنیت کشور را حفظ کردند، حق حیات به گردن ماها، به گردن همه‌ی مردم دارند. اگر بچه‌ی ما میتواند در خیابان به مدرسه برود، به خاطر امنیت است؛ [اگر] امنیت نباشد، بچه‌ی شما مدرسه هم نمیتواند برود؛ خودتان هم در دگان نمیتوانید بروید، به محل کار هم نمیتوانید بروید؛ آن جوانی که مشغول تحقیقات و مشغول پژوهش است، نمیتواند پژوهش بکند. میخواستند مردم را در مقابل نظام قرار بدهند، خوشبختانه مردم توی دهن اینها زدند و روز بیست و دوّم دی، میلیونی بیرون آمدند، نشان دادند خودشان را، گفتند مردم ایران یعنی این؛ و علیه فتنه‌گر شعار دادند. مسئولین باید قدر این مردم را بدانند؛ واقعاً مسئولین کشور باید قدر این مردم را بدانند.

بیانات در دیدار اقدار مردم به مناسبت چهل و هفتمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی ۱۴۰۴/۱۱/۱۲

۳۳. عوامل شکل دهنده‌ی فتنه‌ی ۱۴۰۴ چه کسانی بودند؟

مطلب دیگر درباره‌ی عوامل فتنه است و اینهایی که در صحنه بودند؛ اینها که بودند؟ اینها دو دسته بودند: یک دسته، یک جمعی که دستگاه‌های جاسوسی

آمریکا و اسرائیل با دقت اینها را انتخاب کرده بودند، پیدا کرده بودند، اغلب را خارج کرده بودند، بعضی‌ها را هم در همین جا آموزش داده بودند که چه جوری حرکت کنید، چه جوری آتش بزنید، چه جوری ترس ایجاد کنید، چه جوری از دست پلیس فرار کنید؛ پول حسابی هم بهشان داده بودند؛ یک عده اینها بودند که اینها که سردسته‌ی این جمعیت بودند، خودشان به خودشان می‌گویند لیدر؛ «مالیدرهای این جماعت هستیم»؛ سردسته‌ها؛ یک عده اینها بودند. بحمدالله تعداد زیادی از اینها بازداشت شدند، دستگیر شدند؛ نیروهای نظامی و انتظامی و امنیتی در این زمینه خوب کار کردند. عده‌ی زیادی از این عوامل خبیث و مجرم — که اینها مجرمند — دستگیر شدند.

دسته‌ی دوّم، با رژیم صهیونیستی و با فلان دستگاه جاسوسی ارتباطی نداشتند، نوجوان خامی است که با او حرف میزنند، تحت تأثیر قرارش میدهند، هیجان برایش به وجود می‌آورد؛ جوانها هم هیجانی‌اند، نوجوانها هیجانی‌اند، می‌آیند وارد میدان میشوند، کارهایی میکنند که نباید بکنند، شیطنتهایی میکنند که نباید بکنند. اینها پیاده‌نظامند؛ مأموریتشان این است که بروند به یک جایی حمله کنند: یک پاسگاه، یک خانه، یک اداره، یک بانک، یک مرکز صنعتی، یک مرکز برق؛ مأموریتشان اینها است. آن سردسته اینها را جمع میکند، هر کدامشان، ده نفر، بیست نفر، پنجاه نفر را جمع میکنند، راهنمایی میکنند که «باید بروید اینجا، این کار را بکنید و جنایت بکنید»؛ و متأسفانه میکنند. جنایات زیادی واقع شد. در این فتنه، همین عوامل نادان و ناآگاه با سردستگی آن عناصر خبیث و آموزش دیده، کارهای بدی کردند، جنایتهای بزرگی انجام دادند. البته ملت ایران کمر فتنه را شکست. با حرکت میلیونی ملت ایران در روز بیست و دوّم دی ماه، بیست و دوّم دی ماه [هم] یک روز تاریخی مثل بیست و دوّم

بهمن شد؛ یعنی بیست و دوم دی ماه را ملت ایران ساخت و یک افتخار دیگر بر افتخارات خود افزود. در روز بیست و دوم دی، ملت ایران در تهران با چند میلیون جمعیت و در شهرهای مختلف با جمعیت‌های انبوه و فراوان توانستند به دهان پُرگویی مدعیان مشیت محکمی بزنند. بحمدالله این کار را کردند، فتنه را خواباندند. [این] کار ملت ایران است.

بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم در سالروز مبعث پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله و سلم) ۱۴۰۴/۱۰/۲۷

۳۴. در مواجهه‌ی با فتنه‌ی ۱۸ و ۱۹ دی ۱۴۰۴ ملت و دولت چه باید بکنند و چه وظایفی بر عهده دارند؟

◀ شکستن کمر فتنه با حضور مردم در صحنه

اما مسئله‌ی رفتار ما. خب، ملت ایران آمریکا را شکست داد. آمریکایی‌ها با مقدمات فراوان این فتنه را راه انداخته بودند برای مقاصد بزرگ‌تری که قبلاً اشاره کردم؛ این فتنه مقدمه‌ی کارهای بزرگ‌تری بود. ملت ایران [آمریکا را] شکست داد. بعد از آن جنگ چندروزه در چند ماه قبل از این که آنجا ملت ایران آمریکا را و صهیون را شکست داد، امروز هم آمریکا را به فضل الهی شکست داد. این درست است، اما کافی نیست.

◀ تعقیب فتنه‌گران داخلی و بین‌المللی و مجازات آنان

بله، فتنه را خاموش کردیم، اما این کافی نیست؛ آمریکا باید پاسخگو باشد. باید دستگاه‌های مختلف ما از وزارت خارجه و دستگاه‌های گوناگون دیگر، دستگاه‌های مرتبط با این کار، دنبال کنند این قضیه را. ما کشور را به سوی جنگ نمی‌بریم؛ ما بنا نداریم کشور را به طرف جنگ ببریم اما مجرمان داخلی را هم رها نمی‌کنیم. بدتر از مجرمان داخلی، مجرمان بین‌المللی‌اند؛ آنها را هم رها نمی‌کنیم. باید با شیوه‌های خودش، با روش درست، این کار دنبال بشود، تعقیب بشود و به توفیق الهی ملت ایران همان‌طور که کمر فتنه را شکست، کمر فتنه‌گر را هم باید بشکند.

◀ حفظ وحدت بین مردم و قدرشناسی نسبت به عملکرد رئیس‌جمهور

ومسئولین کشور

مطلب آخر من. در این حادثه، در مبارزه با این فتنه‌ی آمریکایی و صهیونی، مسئولان انتظامی و امنیتی و سپاه و بسیج حقیقتاً جان فشانی کردند، واقعاً جان فشانی کردند؛ شب و روز نداشتند، تا توانستند فتنه را که با مقدمات فراوان، با خرج هزینہ‌ی فراوان دشمن به وجود آمده بود، بکلی پاک کنند و از بین ببرند. مسئولین کشور هم همه همکاری کردند. ملت ایران هم حرف آخر را زد و به طور قاطع قضیہ را تمام کرد، اما با وحدت. من توصیه‌ی ہمیشگی را می‌خواهم عرض بکنم: اولاً وحدت بین مردم حفظ بشود؛ دعوای جناحی و سیاسی و خطی و غیره بین مردم رواج پیدا نکند. با هم یکی باشید؛ در دفاع از نظام اسلامی، در دفاع از کشور ایران، ایران عزیز، همه با هم باشند، در کنار هم باشند.

مسئولین هم — مسئولین ذی ربط در بخشهای مختلف هم — حقیقتاً کار کردند. رئیس جمهور محترم، و دیگر رؤسای کشور، فعالیت کردند؛ وسط میدان بودند و کار کردند. این جور نباشد که چون بنده خبر ندارم از کاری که دیگری کرده، همین طور مدام ایراد کنم که آفا چرا چنین و چرا فلان [است]؛ نه، همه کار کردند. من از اینکه به رؤسای کشور، به رئیس جمهور و دیگران در یک چنین شرایط مهم بین المللی و داخلی اهانت بشود، بشدت پرهیز میکنم و نمیگذارم و منع میکنم، نهی میکنم کسانی را؛ حالا ممکن است در مجلس باشد، ممکن است بیرون مجلس باشد، ممکن است هر جا باشد. قدر اینها را ما بدانیم؛ قدر مسئولینی که وقتی یک چنین حادثه‌ای برای کشور پیش می‌آید، از مردم کناره نمیگیرند. گاهی ما در گذشته داشته‌ایم که مردم وسط میدان بودند،



مذاکرہ بآمریکا

عائشہ
ایران

مسئولین تماشا میکردند، گاهی هم علیه مردم یک حرفی میزدند. این دفعه، نخیر، مسئولین در کنار مردم بودند، در بین مردم بودند، با مردم حرکت کردند، با همان هدف تلاش کردند، کار کردند. این باید قدرشناسی بشود؛ این خیلی مهم است. توصیه‌ی مؤکد من نسبت به شخص رئیس‌جمهور و مسئولین قوا، رؤسای دیگر قوا و رؤسای فعال کشور است؛ بگذارید اینها کارشان را بکنند، تلاششان را بکنند و خدمت بزرگی را که بر عهده دارند انجام بدهند.

بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم در سالروز مبعث پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله و سلم) ۱۴۰۴/۱۰/۲۷

۳۵. آیا باز هم فتنه‌ای در پیش خواهیم داشت؟ فتنه‌ها تاجه زمانی ادامه دارد؟

این مطلب را توجّه داشته باشید که این فتنه [هجدهم و نوزدهم دی ماه]، اولین فتنه‌ی پدیدآمده‌ی در تهران نبود، آخرینش هم نیست؛ بعد از این هم از این قضایا خواهیم داشت. اولین فتنه نبود، آخرین فتنه هم نخواهد بود؛ بعد از این هم از این قضایا ممکن است اتفاق بیفتد. بالاخره ما یک کشوری هستیم، یک فکر جدیدی داریم، یک راه جدیدی داریم، با منافع قلدراه‌های عالم در اصطکاکیم، در برخوردیم؛ همیشه باید منتظر بود. و حالا اینها تاکی ادامه پیدا میکند؟ تا آن وقتی که ملت ایران به جایی برسد که ثبات و استقامت و تسلطش بر امور، دشمن را مأیوس کند؛ که باید البته به اینجا برسیم، و میرسیم.

قبل از این فتنه هم این خیابانهای تهران شاهد جنایاتی بودند، شاهد حوادثی بودند؛ در سی‌ام خرداد سال ۶۰، منافقین در همین خیابانهای تهران با تیغ موکت‌بری به جان بسیجی‌ها افتاده بودند. ما از این قضایا زیاد دیده‌ایم؛ این اوّلی‌اش نبود، آخری‌اش هم نیست. انسان در همه‌ی این حوادث دست بیگانگان را مشاهده میکند؛ و به طور خاص در این حوادث، دست آمریکا را، دست رژیم صهیونیستی را مشاهده میکند.

بیانات در دیدار اقشار مردم به مناسبت چهل و هفتمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی ۱۴۰۴/۱۱/۱۲

۳۶. مذاکره واقعی از نظر شما چیست و چه مذاکره‌ای با آمریکا ممنوع است؟

در اظهارات اهل سیاست، مسئله‌ی مذاکره‌ی با آمریکا زیاد مطرح می‌شود؛ نظرات مختلفی هم هست. گفتم بعضی‌ها این را مفید میدانند، لازم میدانند، بعضی‌ها مضر میدانند، بعضی‌ها نظرات میانه‌تری دارند؛ حرف‌ها مختلف است. من آنچه را تا حالا در این سال‌های متمادی فهمیده‌ام، دیده‌ام، احساس کرده‌ام و تجربه کرده‌ام، به ملت عزیزمان عرض می‌کنم.

خواهش می‌کنم مسئولین سیاسی و فعالان سیاسی هم یک قدری تأمل کنند، روی این حرف‌ها فکر کنند، تأمل کنند و قضاوت را براساس آگاهی و اطلاع انجام بدهند. حرف من این است که در حال حاضر با وضعیتی که وجود دارد - حالا ممکن است بیست سال دیگر، سی سال دیگر وضعیت دیگری وجود داشته باشد؛ با آن کاری نداریم - در وضع کنونی، مذاکره‌ی با دولت آمریکا، اولاً هیچ کمکی به منافع ملی ما نمیکند، هیچ سودی برای ما ندارد، هیچ ضرری را هم از ما دفع نخواهد کرد؛ یعنی کاری است بدون سود، بدون اینکه برای کشور فایده‌ای داشته باشد، بدون اینکه ضرری را دفع کند؛ مطلقاً چنین تأثیری ندارد. این اولاً.

ثانیاً بعکس، زیان‌هایی هم بر آن مترتب است. یعنی سود که ندارد هیچ، مطلب دوم این است که مذاکره‌ی با آمریکا در شرایط کنونی ضررهای بزرگی برای کشور دارد که شاید بشود گفت بعضی از این ضررها جبران‌ناپذیر هستند؛ یک چنین زیان‌هایی هم دارد.

اما اینکه می‌گوییم به سود ما نیست، برای ما فایده‌ای ندارد، چون طرف آمریکایی پیشاپیش خودش نتیجه‌ی مذاکرات را معین کرده؛ یعنی اعلام کرده که مذاکره‌ای را قبول دارد و می‌خواهد مذاکره‌ای بکند که نتیجه‌ی آن مذاکره، تعطیل شدن فعالیت‌های هسته‌ای و غنی‌سازی در کشور ایران باشد. یعنی بنشینیم پشت میز مذاکره‌ی با آمریکا و نتیجه‌ی گفتگو‌هایی که با آنها خواهیم کرد، حرفی باشد که او گفته «(باید انجام بگیرد)»! این که دیگر مذاکره نیست؛ این دیکته است، این تحمیل است؛ بنشین مذاکره کن با یک طرفی که نتیجه‌ی آن مذاکره الزماً باید همان چیزی باشد که او می‌خواهد، همان چیزی باشد که او می‌گوید! این مذاکره است؟ طرف مقابل امروز این جوری حرف می‌زند، می‌گوید مذاکره کنیم و از مذاکره این دریابید که ایران غنی‌سازی نداشته باشد! حالا این [فرد] غنی‌سازی را گفته، چند روز قبل از این، معاونش اعلان کرد که ایران بایستی موشک هم نداشته باشد! نه موشک دوربرد؛ موشک میان‌برد هم نباید داشته باشد، موشک کوتاه‌برد هم نباید داشته باشد! یعنی ایران آن چنان دستش بسته و خالی باشد که اگر چنانچه به او تعرض شد، حتی به این پایگاه آمریکایی در عراق یا در فلان جا هم نتواند جوابی بدهد و پاسخی بدهد؛ معنای

این حرف این است؛ مذاکره کنیم تا این نتیجه به وجود بیاید! خب این سود نیست؛ این مذاکره‌ای است که در آن هیچ سودی وجود ندارد، و همه‌اش به ضرر ما است؛ این نتیجه‌ی مذاکره است. این مذاکره نیست؛ زورگویی است، تحمّل زورگویی و تحمیل آمریکا است. وقتی کسی با ایران اسلامی طرف است، این جور توقعات، این جور اظهارات، ناشی از نشناختن ملت ایران است، ناشی از نشناختن جمهوری اسلامی است، ناشی از این است که نمیداند فلسفه و مبنا و ممشای ایران اسلامی چیست؛ اینها را که نمیداند، این جوری حرف میزند. پس بنابراین برای ما سود ندارد.

و اما ضرر؛ گفتم ضرر دارد. این مهم‌تر است؛ اینکه ضرر دارد، مهم‌تر است. طرف تهدید کرده که اگر مذاکره نکنید، چنین و چنان خواهد شد، بمباران میکنیم، چه میکنیم؛ از این حرفها؛ یک خرده مبهم، یک خرده صریح؛ یعنی تهدید؛ یا مذاکره کنید یا اگر مذاکره نکردید، چنین و چنان خواهد شد! این تهدید است. خب قبول چنین مذاکره‌ای نشانه‌ی تهدیدپذیری ایران اسلامی است. اگر چنانچه شما با این تهدید رفتید مذاکره کردید، معنایش این است که ما در مقابل هر تهدیدی فوراً میترسیم، میلریم و تسلیم طرف مقابل میشویم؛ معنایش این است. این تهدیدپذیری اگر به وجود آمد، دیگر انتها نخواهد داشت. امروز میگویند اگر چنانچه غنی‌سازی داشته باشید، ما چنین و چنان میکنیم؛ فردا میگویند اگر موشک داشته باشید، ما چنین و چنان میکنیم؛ بعد میگویند اگر با فلان کشور ارتباط نداشته باشید، ما چنین و چنان میکنیم؛ اگر با فلان کشور ارتباط داشته باشید، ما چنین و چنان میکنیم! مدام تهدید [هست] و مجبوریم که در مقابل تهدیدهای دشمن عقب‌نشینی کنیم. یعنی قبول مذاکره‌ای را که با تهدید همراه است، هیچ ملت با شرفی انجام نمیدهد، هیچ سیاستمدار خردمندی هم آن را تصدیق نمیکند.

طرف مقابل هم البته حالا ممکن است بگوید من در مقابل این، فلان امتیاز را هم به شما میدهم! دروغ میگویند؛ آنچه میگویند به عنوان امتیاز میدهم، دروغ است. ده سال قبل از این، ما یک قراردادی با آمریکایی‌ها بستیم که اسمش در داخل کشور ما ((برجام)) است؛ در این قرارداد، بنا شد که ما در مورد هسته‌ای این کارها را انجام بدهیم — آن مرکز تولید را مسدود کنیم؛ آن محصول سه و نیم درصدی را که آن وقت تولید میکردیم، بدهیم برود به خارج یا رقیق کنیم یعنی از بین برود، غنی‌سازی‌اش را از بین ببریم؛ و چیزهای دیگر — آنها هم در مقابل تحریمها را بردارند و بعد از ده سال، پرونده‌ی ایران در آژانس هسته‌ای بین‌المللی به شکل عادی دربیاید. ((ده سال)) همین روزها تمام شد؛ آن ده سالی که بنا شده بود پرونده‌ی ایران در آژانس عادی بشود، این روزها تمام شد. امروز شما ملاحظه کنید، نه تنها پرونده عادی نشده، بلکه مشکلات هسته‌ای کشور در شورای امنیت،

سازمان ملل و در هسته‌ای مضاعف شده، چند برابر هم شده! طرف این جوری است، قولش این است! ما همه‌ی کارهایی را که باید انجام میدادیم انجام دادیم، او تحریمها را برداشت، هیچ کدام از قولهایی را که داده بود انجام نداد و بعد هم اصلاً خود او، به تعبیر رایج، پاره کرد آن قرارداد یا آن توافقنامه و تفاهمنامه‌ای را که مقرر شده بود، اصلاً بکلی خارج شد از برجام و آن را رد کرد.

اگر چنانچه شما با طرف مقابل مذاکره کنید و آنچه را او میخواهد قبول کنید که خوب، این تسلیم و ضعف کشور و نابود کردن شرف یک ملت است؛ اگر تهدید او را که با تهدید دارد با شما حرف میزند، قبول کردید، این جوری است، اگر قبول نکردید میشود مثل حالا که باز همان دعوا و همان [مسئله‌ها هست]. بنابراین مذاکره، مذاکره‌ی درستی نیست. تجربه‌ها را فراموش نکنیم، این تجربه‌ی ده سال گذشته را فراموش نکنیم. آن که محلّ کلام ما است، آمریکا است؛ حالا فعلاً با اروپا مسئله‌ای نمیخواهم مطرح کنم.

به نظر من مذاکره‌ی با آمریکا برای مسئله‌ی هسته‌ای و شاید برای مسائل دیگر، بن بست محض است؛ یعنی هیچ راه درستی وجود ندارد برای اینها، بن بست محض است. فکر کنند، ببینند. البته برای او مفید است؛ این مذاکره برای آن رئیس جمهور فعلی آمریکا مفید است؛ او سرش را بالا خواهد گرفت، خواهد گفت من ایران را تهدید کردم و او را آوردم پای میز مذاکره نشاندم؛ او در دنیا از این افتخارات میکند. اما برای ما ضرر محض است و هیچ فایده‌ای برای ما ندارد.

سخنرانی تلویزیونی خطاب به ملت ایران ۱/۰۷/۱۴۰۴



وضعیت واقعی
کشورمان:
ایران قوی

عاشق
ایران

۳۸. «جبهه‌ی مقاومت» که گفته میشود ایران مرکز آن است چیست و اصلاً میخواهد در مقابل چه چیزی مقاومت کند؟

«مقاومت مَلّی» یعنی تاب‌آوری در برابر هر فشاری که دشمن در یکی از جنبه‌های زندگی انسان وارد می‌آورد تا آن ملت را مجبور کند به تسلیم؛ منظور ما از «مقاومت» ایستادگی در مقابل این فشار است؛ تاب بیاورد، مقاومت کند، بایستد، پایداری کند، پای دشمن را بُرد، دست دشمن را قطع کند. این فشاری که می‌گوییم ممکن است وارد بیاید، فرق نمیکند [چه باشد]؛ گاهی فشار نظامی است که خب ماها دیدیم؛ جوانها ندیده بودند، دیدند؛ ما آن چهل سال قبل هم دیدیم. فشار نظامی برای وادار کردن جمهوری اسلامی به قبول یک تحمیل! این فشار [ممکن است] با وسایل نظامی باشد، با وسایل اقتصادی باشد یا فشار با هوچیگری و جوسازی رسانه‌ای باشد. فضای مجازی را نگاه کنید، رادیوهای خارجی را ببینید، اظهارات نه فقط روزنامه‌نگار و مثلاً خبرنگار، [بلکه] مقامات نظامی بالا و مقامات سیاسی در دنیا را ببینید؛ همه‌ی اینها متوجه یک نقطه و یک مرکز است و آن مرکز، فشار بر روی ایستادگی و مقاومت ملت‌ها و در رأسشان ملت ایران است؛ امروز این جوری است. بنابراین، این فشار میتواند فشار نظامی باشد، فشار اقتصادی باشد - مثلاً تحریم باشد - فشار رسانه‌ای باشد، فشار در فضای مجازی باشد، جاسوس‌پروری باشد و امثال اینها.

هدف از این فشار هم میتواند توسعه‌طلبی سرزمینی باشد، مثل این کاری که حالا آمریکایی‌ها دارند با بعضی از کشورهای آمریکای لاتین انجام میدهند؛ میتواند برای منابع زیرزمینی باشد، که فشار می‌آورد برای اینکه منابع نفت فلان کشور را مثلاً تصف کند؛ یا موضوعات فرهنگی و دینی باشد؛ یا فشار برای تغییر سبک زندگی باشد که عمدتاً اینها از راه ابزارهای رسانه‌ای انجام میگردد؛ یا اساسی‌تر از همه، فشار برای تغییر هویتی باشد. صد سال است که سعی غربی‌ها، که در زمان او‌اخر قاجار وارد ایران شدند، این است که هویت ملت ایران را تغییر بدهند؛ هویت دینی‌شان، هویت تاریخی‌شان، هویت فرهنگی‌شان. رضاخان قدم اول را برداشت، [اما] موفق نبود؛ بعدی‌ها سیاستمداران‌ه‌تر حرکت کردند، کارهایی کردند، [اما] موفق نشدند؛ انقلاب اسلامی هم آمد همه را شست، ریخت بیرون. فشار برای تغییر هویت ملت ایران. در هر صورت، در همه‌ی این موارد، مقاومت لازم است. گفتیم مقاومت یعنی چه؟ یعنی تاب‌آوری، پایداری، ایستادگی، تسلیم نشدن، عامل فشار را ناکام گذاشتن؛ این معنای مقاومت

است. اینکه امروز ما دائم دم از جبهه‌ی مقاومت میزنیم یعنی این؛ یک روز فقط ایران بود، امروز به کشورهای منطقه و حتی در مواردی به کشورهای خارج از منطقه توسعه پیدا کرده؛ مقاومت بتدریج گسترش پیدا کرده.

بیانات در مراسم جشن میلاد حضرت زهرا سلام الله علیها ۱۴۰۴/۰۹/۲۰

۳۹. عوامل قدرت کشور ایران که باید از آنها مراقبت کنیم چه چیزهایی است؟

◀ دین و دانش مردم ایران

ایران اسلامی بر اساس «دین» و «دانش» بنا شده و به وجود آمده. در بنای جمهوری اسلامی دو عنصر «دین» و «دانش» عمده‌ترین عناصر تشکیل دهنده هستند؛ به همین دلیل هم، دین مردم و دانش جوانان ما، توانسته‌اند در بسیاری از میدانهای مختلف دشمن را وادار به عقب‌نشینی کنند. بعد از این هم همین جور خواهد بود.

آنچه استکبار جهانی و در رأس آن، آمریکای جنایتکار با آن مخالف است، همین دین شما و دانش شما است؛ با دین شما مخالفند، با این ایمان گسترده‌ی مردم مخالفند، با این اتحاد در زیر سایه‌ی اسلام و قرآن مخالفند؛ و با دانش شما مخالفند. اینکه بعد از پیروزی انقلاب تا امروز، جمعیت ایران دو برابر بشود لکن تعداد دانشجو شاید حدود ده برابر یا بیشتر بشود، اینها را میرنجاند؛ اینکه جمهوری اسلامی در عرصه‌های گوناگون علم و دانش — چه دانشهای انسانی، چه دانشهای فنی، چه دانشهای دینی — بتواند سخن نو به میان بیاورد، اینها را ناراحت میکند؛ اینها با این مخالفند. آنچه به عنوان [قضیه‌ی] هسته‌ای و غنی‌سازی و حقوق بشر و امثال این چیزها میگویند بهانه است؛ اصل قضیه آن است.

و ملت ایران به توفیق الهی دین خود را و دانش خود را رها نخواهد کرد. ما در راه تقویت ایمان دینی‌مان و در راه گسترش و عمق دانشهای متنوع و گوناگون خودمان، قدمهای بلندی خواهیم داشت. و به فضل الهی و به کوری دشمن خواهیم توانست ایران را به اوج ترقی و اوج افتخار برسانیم؛ ملت ایران این توانایی را دارد و ان شاء الله به توفیق الهی این توانایی را اعمال خواهد کرد و به نتیجه خواهد رساند.

بیانات در مراسم بزرگداشت شهدای جنگ تحمیلی اخیر ۱۴۰۴/۰۵/۰۷

◀ اراده و ایستادگی ملی در مقابل وسوسه های دشمن

قدرت ملی بیش از آنکه به موشک و هواپیما ارتباط داشته باشد، به اراده‌ی ملت‌ها و ایستادگی ملت‌ها ارتباط پیدا میکند. شما بحمدالله در قضایای مختلف ایستادگی را نشان داده‌اید، اراده‌ی خودتان را نشان داده‌اید؛ باز هم نشان بدهید و دشمن را مأیوس کنید. تا دشمن مأیوس نشود، یک ملت در معرض آزار و اذیت قرار می‌گیرند؛ باید دشمن را مأیوس کرد. مأیوس بودن دشمن، با اتحاد شما است، با قدرت فکر و اراده‌ی شما است، با انگیزه‌ی شما است، با ایستادگی در مقابل وسوسه‌های دشمن است؛ اینها قدرت ملی را تشکیل می‌دهد. ان‌شاءالله جوانان ما بتوانند در میدانهای مختلف — در میدان علم، در میدان عمل، در میدان تقوا و اخلاق، در میدان پیشرفتهای مادی و معنوی — هر چه بیشتر پیش بروند و اقدام کنند و برای کشور افتخار درست کنند.

پیام تلویزیونی خطاب به ملت ایران در آستانه چهل و هفتمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی و یوم الله ۲۲ بهمن ۱۴۰۴/۱۱/۲۰

۴۰. کار بزرگ ملت ایران در جنگ با آمریکا چیست؟

و اما ملت ایران در این جنگ تحمیلی [۱۲ روزه] اخیر کار بزرگی انجام داد؛ این کار بزرگ از جنس عملیات نبود؛ از جنس اراده بود، از جنس عزم بود، از جنس اعتماد به نفس بود. اینکه یک ملت، یک کشور، یک نیروی نظامی در یک کشور، در خودش این اعتماد به نفس را ملاحظه کند که آماده است با قدرت آمریکا و سگ زنجیری اش در منطقه [یعنی] رژیم صهیونی، سینه‌به‌سینه و روبه‌رو بشود، نفس این اراده، نفس این اعتماد به نفس، یک ارزش بسیار مهمی است. یک روزی بود که اسم آمریکا افراد را می‌ترساند؛ چه برسد به مواجهه و مقابله‌ی با او؛ چه مقابله‌ی زبانی، چه مقابله‌ی عملی. در این خاطراتی که از طرف عوامل رژیم قبلی نوشته شده و بعد از سالها پخش شده، مکرر این هست که مسئولین بالای کشور از یک کار آمریکا ناراحت بودند اما میگفتند هیچ چیزی نگویید؛ جرئت نمی‌کردند که حتی در خفا، در جلسه‌ی خصوصی اعتراض کنند و حرف بزنند. حالا همان ملت به اینجا رسیده که مستقیم می‌ایستد سینه به سینه‌ی این

قدرت، از او نمیترسد بلکه او را میترساند و آنچه هم از دستش برمی آید، از لحاظ عملیاتی انجام میدهد که این مسئله‌ی عملیات، مطلب دوم است؛ مسئله‌ی اول همان روحیه است، همان ایستادگی است. این اراده‌ی ملی، این همت ملی، همان چیزی است که این کشور را سربلند خواهد کرد؛ این همان چیزی است که ایران را ایران بزرگی خواهد کرد.

بیانات در دیدار رئیس و مسئولان قوه قضائیه ۱۴۰۴/۰۴/۲۵

۴۱. چرا ملت ایران در این جنگ تسلیم نمی‌شود؟

اخیراً رئیس‌جمهور آمریکا زبان به تهدید گشوده، ما را تهدید میکند؛ هم تهدید میکند، هم بایک بیان سخیف و غیر قابل قبولی از ملت ایران صریحاً میخواهد که بیابید تسلیم من بشوید! وقتی انسان این چیزها را مشاهده میکند، واقعاً تعجب میکند. اولاً تهدید را به کسی بکنند که از تهدید آنها میترسد. ملت ایران نشان داده که در مقابل تهدید تهدیدکنندگان دچار ترس نمیشود. *وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزِنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ*؛ ملت ایران به این معتقد است. تهدید، در رفتار ملت ایران و در اندیشه‌ی ملت ایران، تأثیر نمیگذارد. ثانیاً اینکه به ملت ایران بگویند بیابید تسلیم بشوید، حرف عاقلانه‌ای نیست. افراد باخرد که می‌شناسند ایران را، می‌شناسند ملت ایران را، می‌شناسند تاریخ ایران را، هرگز چنین حرفی را بر زبان جاری نمیکنند. تسلیم چه چیزی بشوند؟ ملت ایران تسلیم‌شدنی نیست. ما تعرض به کسی نکردیم و به هیچ وجه تعرض احدی را هم قبول نمیکنیم و تسلیم تعرض هیچ کس نمیشویم؛ این منطق ملت ایران است، این روحیه‌ی ملت ایران است.

دومین پیام تلویزیونی خطاب به ملت ایران در پی تهاجم رژیم صهیونی ۱۴۰۴/۰۳/۲۸

۴۲. راه رفع تهدید دشمن چیست؟

آن چیزی که در نهایت میخواهم عرض بکنم، این است که راه علاج پیشرفت کشور، قوی شدن است؛ باید قوی بشویم. قوی شدن نظامی لازم است، قوی شدن علمی لازم است، قوی شدن دولتی و ساختاری و سازمانی لازم است. باید افراد هوشمند ما، صاحب‌نظران دلسوز ما بنشینند، راه‌های تقویت کشور را پیدا کنند؛ و این راه‌ها را دنبال کنند. اگر این شد، آن وقت طرف تهدید هم نمیکند؛

اگر دید طرف مقابل قوی است، حتی تهدید هم نمیکند. به نظر من جز این راهی وجود ندارد.

سخنرانی تلویزیونی خطاب به ملت ایران ۱۴۰۴/۰۷/۰۵

۴۳. موشک‌های ایرانی چگونه ساخته شده است؟

موشک ایرانی، ساخت دست جوان ایرانی که می‌تواند با شعله‌های خودش، با آتش خودش، اعماق برخی از مراکز حساس تحقیقاتی صهیونیست‌ها را تبدیل به خاکستر بکند را جوانهای ایرانی ساختند؛ این را ما از جایی نخریدیم، این را ما از جایی کرایه نکردیم؛ این ساخت جوان ایرانی است، این شناسنامه‌ی جوان ایرانی است. وقتی جوان ایرانی وارد یک میدانی شد و تلاش کرد، همت کرد، سعی کرد، زیرساخت‌های علمی را برای خودش فراهم کرد، کاری از این قبیل انجام میدهد، کارهای بزرگ انجام میدهد. این موشک‌ها را نیروهای مسلح و صنایع نظامی ما آماده داشتند، استفاده کردند، به کار بردند و باز هم دارند؛ لازم باشد در وقت دیگر هم از آن استفاده میکنند.

بیانات در دیدار قهرمانان و مدال آوران ورزشی و المپیادهای علمی جهانی ۱۴۰۴/۰۷/۲۸

۴۴. کدام جوان می‌تواند واقعاً «مرگ بر آمریکا» بگوید؟

جوان ما، در این روزگار پُرمسئله، آن وقتی میتواند به معنای واقعی کلمه «مرگ بر آمریکا» بگوید که از لحاظ درونی، از لحاظ دینی، از لحاظ اعتقاد و اِتِّکاء به خدای متعال و قدرت الهی قوی باشد. آن جوانی میتواند در مقابل سطوت و قدرت و تشر فرعون‌های زمان بایستد که دلش با خدا باشد، با خدا مرتبط باشد.

بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان ۱۴۰۴/۰۸/۱۲

۴۵. چرا به مدال‌های ورزشی و علمی جوانان در چند ماه اخیر افتخار میکنید؟

چون ما درگیرودارِ جنگِ نرمیم. در جنگ نرم، سعی دشمن بر این است که ملت را افسرده کند، ناامید کند، او را از توانایی‌های خودش مأیوس کند؛ شما

با این مدال آوری تان توانستید نقطه‌ی مقابل حرکت دشمن حرکت کنید و در عمل، توانایی جوان ایرانی و قدرت ملت ایران را که در جوانهایش متجلی است، نشان دادید و ظاهر کردید. لذا شاید بتوان گفت این مدال ارزش مضاعفی دارد؛ این پاسخ، محکم‌ترین پاسخی است که میشد به دشمن داد و شما دادید.

بیانات در دیدار قهرمانان و مدال آوران ورزشی و المپیادهای علمی جهانی ۱۴۰۴/۰۷/۲۸

۴۶. ایران امروز در چشم سیاستمداران بین‌المللی چگونه است؟

امسال سال عجیبی بود؛ امسال سالی بود که ملت ایران در چند مرحله، در چند وهله عظمت خودش و اراده‌ی خودش و عزم راسخ خودش و توانایی‌های خودش را نشان داد، رو کرد، عرضه کرد؛ از جنگ دوازده‌روزه بگیرد تا همین روزهای اخیر (راهپیمایی ۲۲ بهمن). امسال مردم کشورمان توانستند ایران را سربلند کنید، توانستید کشورتان را عزیز کنید. اینکه عرض میکنم [توانستید] سربلند کنید، فقط یک تعبیر نیست؛ این حرفی است که مسئولین کشورمان که برای مسائل سیاسی به کشورها سفر میکنند، برای ما نقل میکنند. آنها میگویند که امروز «ایران» در چشم سیاستمدارانی که ما ملاقات کردیم و درباره‌ی ایران حرف زدیم، یک برجستگی ویژه‌ای پیدا کرده و آن به خاطر همین ایستادگی‌ها و همین قدرت‌نمایی‌ها است.

بیانات در دیدار مردم آذربایجان شرقی ۱۴۰۴/۱۱/۲۸

۴۷. عاقبت ملت ایران چه می‌شود؟

همه‌وهمه بدانند که [طبق] آیه لَیَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ یَنْصُرُهُ، خدای متعال نصرت را برای ملت ایران در ذیل نظام اسلامی و زیر چتر قرآن و اسلام تضمین کرده که ملت ایران حتماً پیروز خواهد شد.

بیانات در دیدار رئیس و مسئولان قوه قضائیه ۱۴۰۴/۰۴/۲۵

سید عیدها



doran.khamenei.ir

عناوین مجریه
ایران